

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز برگزار می کند:

دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی



10th National Students' Congress On
New Horizons in Rehabilitation Sciences

20 , 21 May 2025

تمدید مهلت ارسال چکیده مقالات

تا ۸ اردیبهشت

rsc10.sums.ac.ir

rsc10.sums@gmail.com

محورهای کنگره:

- هوش مصنوعی در توانبخشی،
- رویکردهای نوین در توانبخشی و
- توانبخشی از راه دور
- توانبخشی در بیماریهای نورولوژی
- توانبخشی در بیماریهای ارتوپدی
- توانبخشی در بیماریهای قلبی-تنفسی
- توانبخشی در آسیب های ورزشی
- توانبخشی در سالمندان
- توانبخشی در کودکان
- توانبخشی در سرطان و درد مزمن
- توانبخشی در اختلالات کف لگن
- توانبخشی روانی-اجتماعی
- اخلاق حرفه ای در توانبخشی
- مدیریت توانبخشی
- توانبخشی مبتنی بر جامعه



آدرس دبیرخانه: شیراز- جاده شهرصدرا- بعد از بیمارستان سوانح سوختگی امیر المومنین (ع)- پردیس شهید دوران (دانشگاه علوم پزشکی شیراز)- دانشکده علوم توانبخشی

شماره تماس:

۰۷۱۳۲۱۲۲۶۰۰



دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



دکتر علیرضا متاله

ریاست دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز
و رئیس دهمین کنگره علمی افق های نوین در علوم توانبخشی

بنام آنکه جان را فکرت آموخت. چراغ دل به نور جان برافروخت

خدای بزرگ را صمیمانه شکرگزاریم که فرصت دوباره برگزاری کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی را نصیب اینجانب، همکاران عزیز و دانشجویان گرامی در دانشکده علوم توانبخشی شیراز نموده است

برپایی همایش های علمی که عرصه روشنی برای ارائه دستاورد های پژوهشی و نتایج تحقیقات علمی است، بی شک نقش برجسته ای در ترویج تکیه بر پژوهش های پایه ای و بالینی برای ایفای نقش سازنده در گسترش علوم توسط محققان کشور عزیزمان به ویژه در حوزه توانبخشی دارد

در این کنگره که به صورت آنلاین و حضوری برگزار میگردد بار دیگر دانشکده علوم توانبخشی شیراز افتخار دارد که شاهد به بار نشستن تلاش دانشجویان علاقه مندی باشد که با تلاش وافر عرصه ای را برای ارائه آخرین دستاورد های علمی و پژوهشی کشور در زمینه علوم توانبخشی برنامه ریزی و سازماندهی نموده اند

بسیار خرسندیم که این کنگره مورد استقبال شایان توجه محققان ارجمند نیز قرار گرفته و همین موضوع، مسولیت برگزار کنندگان را جهت لحاظ همه شرایط برای رسیدن به وضعیت مطلوب بیش از پیش سنگین و خطیر نموده است

این کنگره در سایه لطف یزدان پاک بیش از همه مرهون تلاش و ممارست برگزارکنندگان اصلی آن، دانشجویان عزیز عضو باشگاه پژوهشی دانشکده علوم توانبخشی شیراز است که در سایه راهنمایی های معاون محترم پژوهشی و مسوول کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده، ساعت ها و روز های متمادی را صرف برنامه ریزی برای اجرای بهتر و منظم تر نموده اند

همچنین حمایت های ریاست دانشگاه جناب آقای دکتر هاشمی، آقای دکتر محمدی معاون محترم پژوهشی دانشگاه و مسوولین کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه قطعا نقش موثری در برپایی این کنگره داشته که قدرشناس همه این زحمات می باشیم. از محققین ارجمند که با ارسال مقالات شفاهی و پوستر به افزوده شدن بار علمی این محفل علمی کمک شایانی نموده اند صمیمانه تشکر می نمایم و برای همگی آرزوی سلامتی و موفقیت روز افزون دارم





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



دکتر محمد تقی کریمی

معاونت پژوهشی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز



بسمه تعالی

در طلوع دانایی، آن گاه که اندیشه ها دست در دست هم می دهند و علم، جامه ی عمل به تن می کند، بارقه ای از امید در افق توانبخشی پدیدار می شود. ما گرد آمده ایم نه تنها برای دیدن آینده، بلکه برای ساختن آن، آینده ای روشن تر، انسانی تر و آکنده از آگاهی و مهر

اساتید فرهیخته، دانشجویان عزیز و همراهان گران قدر،

حضور پرشور شما در دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی، نشان از تپش زنده علم در کالبد دانشگاه و عزم راسخ نسل فردا دارد. از همه عزیزانی که در برگزاری این رویداد علمی همکاری کردند، صمیمانه قدردانی میکنم؛ باشد که این گردهمایی چراغی باشد در مسیر پیشرفت، هم افزایی و ارتقاء دانش و بینش در خدمت انسان و انسانیت

پیام ها

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها





دکتر سلیمه جعفری

سرپرست کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

با کمال افتخار به اطلاع می‌رسانیم که دهمین کنگره ملی دانشجویی افق‌های نوین در علوم توانبخشی توسط کمیته تحقیقات دانشجویی، با هدف ایجاد بستری برای دانشجویان سراسر کشور جهت تبادل دانش، هم‌اندیشی تخصصی و ارتقای خدمات توانبخشی، در تاریخ ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ در دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، برگزار خواهد شد.

توانبخشی به عنوان یک بخش حیاتی از نظام سلامت، نقش بسزایی در بهبود کیفیت زندگی افراد با اختلالات مختلف ایفا میکند. توانبخشی نه تنها به بازگرداندن توانایی‌های از دست رفته افراد کمک می‌کند بلکه بر جنبه‌های روانی-اجتماعی و اقتصادی زندگی آن‌ها نیز تاثیر بسزایی دارد. این کنگره، فرصتی ارزشمند برای گردهمایی اساتید، پژوهشگران، متخصصان و به ویژه دانشجویان در فضایی پویا و علمی است تا آخرین دستاوردهای علمی، پژوهش‌های نوین و راهکارهای بالینی و کاربردی را در زمینه بهبود نیازهای جامعه در حوزه‌های مختلف توانبخشی به اشتراک گذارند. حضور شما عزیزان، میتواند به غنای علمی و عملی این کنگره بیفزاید و در تحقق هدف مشترک ما، یعنی بهبود و ارتقای خدمات توانبخشی و بالتبع افزایش کیفیت زندگی افراد، نقشی کلیدی ایفا کند. امید است که این رویداد با همکاری و مشارکت شما عزیزان، به بستری پویا برای انتقال تجربیات، توسعه دانش و ایجاد شبکه‌های همکاری علمی تبدیل شود و آنچه در این کنگره رقم می‌خورد، نه نقطه پایان، که پنجره و آغازی باشد به افق‌های نوین در علوم توانبخشی.





مریم زرگوش

دبیر علمی دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر اندیشمندان و آینده سازان عرصه توانبخشی

با افتخار و امیدواری، دهمین دوره از کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی را به همت اندیشه های نو و تلاش های بی وقفه شما اساتید گرامی و دانشجویان عزیز در دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز برگزار مینمائیم. این رویداد علمی، نمادی از پویایی، خلاقیت و تعهد نسل جوان به پیشرفت علوم توانبخشی و بهبود کیفیت زندگی افراد نیازمند به خدمات این حوزه است

امسال نیز در شیراز، شهر علم و ادب، گرد هم می آییم تا با تلفیق دانش روز و خلاقیت دانشجویی، افق های جدیدی در عرصه توانبخشی بگشاییم و با تکیه بر دستاوردهای علمی و پژوهشی دانشجویان و پژوهشگران سراسر کشور، فرصتی فراهم شده است تا آخرین یافته ها، ایده های نوین و چالش های پیش رو در حیطه های مختلف علوم توانبخشی مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد. از تمامی اساتید، دانشجویان و پژوهشگران که با ارائه مقالات و حضور فعال خود به غنای این کنگره کمک می کنند صمیمانه سپاسگزارم، بی تردید راه پیشرفت علوم توانبخشی با نگرش چند رشته ای و همکاری جمعی شما عزیزان هموار خواهد شد





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق‌های نوین در علوم توانبخشی
۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



پریا صدیقی

دبیر اجرایی دهمین کنگره افق‌های نوین در علوم توانبخشی

بسمه تعالی

پژوهش، راهی است برای کشف حقیقت و تعالی اندیشه؛ و بالندگی علمی در گرو همت بلند جویندگان دانش و همراهی دلسوزان این مسیر است

در دهمین دوره برگزاری کنگره ملی افق‌های نوین در علوم توانبخشی، مفتخریم که با حمایت‌های صمیمانه جناب آقای دکتر متاله، ریاست محترم دانشکده علوم توانبخشی شیراز، جناب آقای دکتر کریمی، معاون محترم پژوهشی دانشکده، و سرکار خانم دکتر جعفری، سرپرست محترم کمیته تحقیقات دانشجویی، این رویداد علمی بار دیگر میزبان تلاشگران عرصه پژوهش است

صمیمانه از دانشجویان پرتلاش و مسئولیت‌پذیری که در فرآیند برگزاری این کنگره نقش‌آفرینی کردند، و اساتید گرانقدری که با راهنمایی‌های خود ما را در این مسیر یاری رساندند، قدردانی می‌نمایم

امید است این همدلی، سرآغاز افق‌هایی روشن‌تر در مسیر علم و دانش باشد





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی
۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

۷

اعضای شورای راهبردی کنگره

دکتر علیرضا متاله:

ریاست دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر محمد تقی کریمی:

معاون پژوهشی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر سلیمه جعفری:

سرپرست کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مریم زرگوش:

دبیر علمی دهمین کنگره افق های نوین در علوم توانبخشی

پریا صدیقی:

دبیر اجرایی دهمین کنگره افق های نوین در علوم توانبخشی

دکتر شیوا ابراهیمیان:

دانشیار گروه گفتاردرمانی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر فاطمه همتی:

استادیار گروه ارتوز و پروتز دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر زهرا جدی:

استادیار گروه شنوایی شناسی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر بهاره زینل زاده:

استادیار گروه کاردرمانی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر نسرين صالحی:

استادیار گروه فیزیوتراپی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر مرضیه محمدی:

استادیار گروه فیزیوتراپی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



کمیته علمی: داوران و اعضای کمیته علمی

فاطمه همتی	زهره مصلی نژاد
امیرحسین زارع	نورالدین کریمی
جلال بختیاری	نگین اشتري
معصومه سلمانی	سمانه فلاح کریمی
شیوا ابراهیمیان	زهره خلیل زاده فرسنگی
سلیمه جعفری	سحر اردلان خالص
بهنوش طحان زاده	ارسلان قربان پور
فاطمه حسناتی	طاهره رضائیان
محمد صادقی مزیدی	ابوالقاسم فلاح زاده
مریم جلالی پور	بهاره زینل زاده قوچانی
مریم فهام	روح انگیز شیروانی
تبسم عظیمی	علیرضا درخشان راد
سعید شهابی	علی صفدری
سحر قنبری	ابوبکر جعفر نژاد
سمیه کاووسی پور	مرضیه محمدی
زهره جدی	فرزانه یزدانی

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

۸





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



کمیته علمی:

داوران و اعضای کمیته علمی

افسانه دوستی	فرزانه حقیقت
نسرين گوهری	فرحناز امامی
زهرا حسینی دستگردی	نسرين صالحی دهنو
علیرضا دهقانی	گلاویژ کریمی جوان
محمد تقی کریمی	محمد حدادی
محسن سبحانی مقدم	مریم زرگوش
رضا سلطانی	غزل رشدی
محمد عباسی	کاظم حسام پور
زهرا برادران	مسعود طاهری

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

۹





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی
۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



اعضای کادر اجرایی

صالح کریمی افشار	پریا صدیقی
مهلا باغبان	یلدا قلی زاده
نسیم کریمی	مهدیس ذاکری
غزاله درویش زاده	فرشاد فرجی
سمیه خسروانیان	محمد بابایی چپقلو
آذین شمائلی	حدیث میرزایی
سارا ضمیری	غزال کاروان جهرمی
علی مهارت فرد جهرمی	آیدا باصری
آیگین ظهرابی	فاطمه رمضانی
مهدی موجی	محمد طلایی زاده
محمد رضا صادقی	مهران معقول
رضا کمالی	سید محمد یاسین فلسفی
فاطمه سادات اینجو	ساناز احمدی
کسری پهلوان	فاطمه سعادت
فاطمه مصلحی	نسترن مشعوف
خدیجه روستا	محمد صادقی

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

۱۰





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی
۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

اعضای کادر اجرایی

فاطمه حصاری	زهره امینی
فرشته نیک سرشت	پرریان پناهی
سیده نسترن جویباری	امیرحسین رحیمی
حمیدرضا زارع زاده	فاطمه شکوهی مهر
آیدا افضلی	سپهر رضاییان
فاطمه رنجبر	سجاد نظری
منصوره وثوقی	سید محمد فواد سجادی
فرناز محسنی	زهره خدایی
فاطمه زارعی	فریده انواری

با تشکر از اعضای:

انجمن علمی دانشجویی فیزیوتراپی شیراز

انجمن علمی دانشجویی فیزیوتراپی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

انجمن های علمی دانشجویی گفتار درمانی شیراز





جدول زمانبندی روز برگزاری

روز سه شنبه، بخش اول : توانبخشی در بیماری های ارتوپدی و آسیب های ورزشی				
عنوان مقاله	نام	زمان اختصاصی	عنوان	زمان بندی
افتتاحیه				۸:۰۰ - ۸:۲۰
Evaluation of Shear and Compressive Stress in the Patellofemoral Joint During Stair Descending in Individuals with Patellofemoral Pain	هانیه زارعی	۸:۲۰ - ۸:۳۰	سخنرانی و ارائه مقالات	۸:۲۰ - ۹:۴۰
معرفی بريس جديد برای بیماران مبتلا به اسکولیوز ایدیوپاتیک نوجوانی	آزاده نادی	۸:۳۰ - ۸:۴۰		
رزیابی تاثیر كفش های راکر بر كینماتیک زانو، هیپ و لگن طی دویدن در ورزشکاران مبتال به درد کشککی -رانی	میثم گوشه	۸:۴۰ - ۸:۵۰		
بررسی تاثیر دیزاین ارتوز های پا بر کنترل بالانس در ورزشکاران دارای بی ثباتی مزمن مچ پا: یک کارآزمایی بالینی با دو گروه موازی	هانیه خلیلیان	۸:۵۰ - ۹:۰۰		
تأثیر میکروکارنت تراپی بر درد و ناتوانی پس از جراحی های ارتوپدی: مرور سیستماتیک	رامتین سرخانی	۹:۰۰ - ۹:۱۰		
بررسی تعادل استاتیک و دینامیک و ارتباط آن با ترس از زمین خوردن در بیماران دچار استئوآرتریت خفیف تا متوسط زانو	مهسا کاویانی بروجنی	۹:۱۰ - ۹:۲۰		
مقایسه تحریک آنودال مقابل کاتودال tDCS به عنوان استراتژی پرایمینگ برای بهبود اثرات تمرین درمانی بر تعدیل درد در بیماران مبتال به استئوآرتریت زانو	امین رستگار	۹:۲۰ - ۹:۳۰		
Effect of Medial Arch Support on foot kinematics in children with Arthroereisis	امیرحسین زارع	۹:۳۰ - ۹:۴۰		
دکتر ایمان رضایی - دکتر محمد حدادی - دکتر فاطمه همتی - دکتر سارا ابوالاحراری		ارائه سخنان هیأت رئیسه		۹:۴۰ - ۱۰:۰۰

پيام

اركان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

۱۲





جدول زمانبندی روز برگزاری

روز سه شنبه، بخش دوم : هوش مصنوعی در توانبخشی				
زمان بندی	عنوان	زمان اختصاصی	نام	عنوان مقاله
۱۰:۱۵-۱۰:۳۰	ارائه پوستر ها	هر پوستر به مدت دو دقیقه	هانیه زارعی	The Effect of Gluteal Kinesio-Taping on Ankle Function, Dynamic Balance, and Electromyographic Activity of Gluteal Muscles in Male Soccer Players with Chronic Ankle Instability: A Randomized Clinical Trial
			زهرا محتشم زاده	بررسی تاثیر تحریک مستقیم الکتریکی فراجمعه ای مغزی همراه با ورزش درمانی درمقایسه با ورزش درمانی به تنهایی بر درد، عملکرد و تعادل بین افراد مبتال به درد کشککی -رانی
			فاطمه صبحی	مقایسه تاثیر خستگی بر کینماتیک و کیفیت حرکت برشی جانبی در دو حالت پیش بینی شده و پیش بینی نشده در ورزشکاران با بازسازی رباط صلیبی قدامی و ورزشکاران سال
			فاطمه کشاورزی	بررسی تاثیر افزودن شاک ویو درمانی به تمرینات ورزشی بر درد و عملکرد بیماران مبتلا به آسیب تروماتیک منیسک داخلی زانو
			امیر حسین زارع	مقایسه اثربخشی بریس های اصلاح شده ایرانی و سخت مینروا در حرکات ستون فقرات گردنی و سینه ای
			سحر پایه دار	تاثیر ارتوزهای شبانه در کودکان مبتلا به صافی کف پا همراه با سفتی گاستروسولیتوس: بررسی سیستماتیک
			استراحت و پذیرایی	

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



جدول زمانبندی روز بر گزاری

روز سه شنبه، بخش دوم : هوش مصنوعی در توانبخشی				
زمان بندی	عنوان	زمان اختصاصی	نام	عنوان مقاله
۱۲:۰۰ - ۱۰:۳۰	سخنرانی و ارائه مقالات	۱۰:۳۰ - ۱۰:۴۰	امیررضا داودی	بررسی انواع استراتژی های تشخیص سقوط: از حسگر تا الگوریتم های یادگیری ماشین
		۱۰:۴۰ - ۱۰:۵۰	آیلین طاهری	نقش هوش مصنوعی در توانبخشی افراد کاربر کاشت حلقون
		۱۰:۵۰ - ۱۱:۰۰	فائزه فرزانه فر	تحول در تشخیص اختلالات صوتی با هوش مصنوعی: چشم اندازی برای گفتاردرمانی
		۱۱:۰۰ - ۱۱:۱۰	فاطمه دهقان سرشت	استفاده از سیگنال های گفتاری جهت تشخیص مالتیپل اسکلروزس (MS) با استفاده از هوش مصنوعی
		۱۱:۱۰ - ۱۱:۲۰	محدثه وهابی	Applications of Artificial Intelligence in Auditory Rehabilitation
		۱۱:۲۰ - ۱۱:۳۰	ساسان آزادی واصل	کاربرد هوش مصنوعی در توانبخشی بیماران نورولوژیک: از تشخیص افتراقی تا بازتوانی شناختی و حرکتی با کمک سیستم های هوشمند
		۱۱:۳۰ - ۱۱:۴۰	سکینه محمد زمانی	مروری نظام مند بر ابزارهای تشخیصی اتیسم با کمک هوش مصنوعی
		۱۱:۴۰ - ۱۱:۵۰	رامین ابراهیم زاده	بررسی تأثیر توانبخشی از راه دور مبتنی بر فناوری های دیجیتال نوین بر نتایج درمانی توانخواهان نیازمند به برنامه های توانبخشی طولانی مدت: یک مقاله مروری
۱۲:۰۰ - ۱۱:۵۰			علی رضا خسروانجم صدایشه	مدل های پردازش زبانی و یادگیری ماشین برای خودکار سازی آزمون های گفتاری: یک مرور روایتی
۱۲:۰۰ - ۱۲:۲۰	ارائه سخنان هیأت رئیسه		دکتر سلیمه جعفری - دکتر سعید شهابی - علی حاج محمدی	

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

۱۴





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



جدول زمانبندی روز بر گزاری

روز سه شنبه، بخش دوم : هوش مصنوعی در توانبخشی				
زمان بندی	عنوان	زمان اختصاصی	نام	عنوان مقاله
۱۲:۲۰ - ۱۲:۳۵	ارائه پوستر ها	هر پوستر به مدت دو دقیقه	فاطمه علی اسماعیلی	کاربردهای نوین هوش مصنوعی در توان بخشی دوران پس از سرطان: یک مرور نظام مند
			صدرا مجید زمانی	کاربردهای هوش مصنوعی در توان بخشی از راه دور و شخصی سازی شده برای بیماران دچار سکته مغزی
			زهره ناصری	بررسی ارتباط تحلیل اکوستیکی گفتار و صدا جهت تشخیص و پویش بیماری پارکینسون با هوش مصنوعی
			بهاره زینل زاده قوچانی	کاربرد موبایل در ارائه خدمات توانبخشی و درمانی به سالمندان
			منصوره وثوقی	بررسی اثربخشی درمان های شناختی مبتنی بر واقعیت مجازی بر کفایت ارتباطی بیماران مبتلا به دمانس : یک مرور روایتی
			فاطمه سرپوریان	تاثیر گفتار درمانی از راه دور بر بهبودی بزرگسالان مبتلا به لکنت زبان: یک مرور نظام مند از مطالعات مداخله ای
۱۲:۳۵ - ۱۳:۳۰		صرف ناهار و نماز		
۱۳:۳۰ - ۱۶:۳۰	برگزاری کارگاه ها	هوش مصنوعی	محمود صادقی خراشاد	Who is afraid of Dr. AI? AI in clinical research, academic writing, research management

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات سخنران

خلاصه مقالات پوستر

آدرس لینک ها

۱۵





جدول زمانبندی روز برگزاری

روز چهارشنبه، بخش اول: توانبخشی های مختلف کودکان و سالمندان				
عنوان مقاله	نام ارائه دهنده	زمان اختصاصی	عنوان	زمان بندی
A Systematic Review of the Role of Pelvic Floor Muscle Exercises in Managing Pelvic Floor Disorders During Pregnancy and Postpartum	نهاد بدوی	۸:۰۰ - ۸:۱۰	سخنرانی و ارائه مقالات	۸:۰۰ - ۹:۴۰
بررسی ادراک شنیداری تقابل مختصه های همخوانی در کودکان کاشت حلازون	مهناز اسحاق	۸:۱۰ - ۸:۲۰		
تعیین نقطه قطع برای آزمون های پیش بینی کننده افتادن در سالمندان بالای ۶۰ سال با سابقه افتادن های مکرر	مریم صیانت	۸:۲۰ - ۸:۳۰		
اثربخشی مداخلات مبتنی بر بازی هایی ویدئویی بر توانبخشی شناختی در سالمندان: مروری بر ادبیات کنونی	محمد جواد امینی فر	۸:۳۰ - ۸:۴۰		
ادغام تحریک مغناطیسی مکرر rTMS جمجمه ای با تمرین درمانی در توانبخشی بیماران سرطانی	پریسا علی پور	۸:۴۰ - ۸:۵۰		
تاثیر مداخلات کاردرمانی و توانبخشی در مبتلایان به سرطان	بهاره زینل زاده قوچانی	۸:۵۰ - ۹:۰۰		
اثر بخشی تمرینات کگل همراه با تحریک الکتریکی بر بازیابی عملکرد عضلات کف لگن در زنان مبتلا به بی اختیاری ادراری پس از زایمان: یک مطالعه ی مروری	الهام فرهادی	۹:۰۰ - ۹:۱۰		
تاثیر روش های درمانی مسیر صوتی نیمه بسته بر بهبود کیفیت صوت بیماران مبتلا به فلج یک طرفه چین صوتی	مینو کارگرفرد اصفهانی	۹:۱۰ - ۹:۲۰		
کنترل عصبی-عضلانی تنه در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس: یک مطالعه مورد-شاهدی	فائزه نگارستانی	۹:۲۰ - ۹:۳۰		
اثربخشی توانبخشی روانی-اجتماعی (PSR) در افزایش رفتار سازگاران دانش آموزان عقب مانده ذهنی	حافظ صفری	۹:۳۰ - ۹:۴۰		
مریم جلالی پور - دکتر ابوالقاسم فالج زاده - دکتر امین کردی یوسفی نژاد		ارائه سخنان هیأت رئیسه		۹:۴۰ - ۱۰:۰۰

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات سخنران

خلاصه مقالات پوستر

آدرس لینک ها

۱۶





جدول زمانبندی روز بر گزاری

روز چهارشنبه، بخش اول: توانبخشی در بیماری های مختلف کودکان و سالمندان				
زمان بندی	عنوان	زمان اختصاصی	نام ارائه دهنده	عنوان مقاله
۱۰:۰۰ - ۱۰:۱۵	ارائه پوستر ها	هر پوستر به مدت دو دقیقه	صدیقه یگانه	Common Pain Relief Methods in Children with Congenital Heart Diseases: A Scoping Review
			شمیم قاضی	بررسی اثربخشی مداخله دهانی - حرکتی نوزادان نارس بر عضلات مرتبط در بلع و اثرات طولانی مدت آن بر پیامدهای تکاملی نوزادان نارس دارای اختلال تغذیه
			فاطمه راشته	تاثیر اجرای برنامه درمانی مبتنی بر تعامل والد-کودک در بهبود کیفیت زندگی والدین و کودکان مبتلا به اختلال طیف اتیسم: مطالعه مروری
			محمدعلی شعبانی	ارتباط بین بیماری های خودایمنی و وزوز گوش: مطالعه مروری روایتی
			داریوش قنبرزاده	گزارش موردی ارائه خدمات کاردرمانی به مراجع یازده ساله با مشکلات یادگیری و استرس و اضطراب
			پژمان سلیمی	یک مرور سیستماتیک در رابطه با چالش های توانبخشی قلبی مبتنی بر جامعه در مبتلایان به بیماری قلبی عروقی
۱۰:۱۵ - ۱۰:۳۰	استراحت و پذیرایی			

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



جدول زمانبندی روز برگزاری

روز چهارشنبه، بخش دوم: توانبخشی روانی ، اجتماعی				
زمان بندی	عنوان	زمان اختصاصی	نام ارائه دهنده	عنوان مقاله
۱۰:۳۰ - ۱۱:۳۰	سخنرانی و ارائه مقالات	۱۰:۴۰ - ۱۰:۳۰	زهره دهقان هراتی	شکستن مرزها در دنیای قرنطینه شده: مرور نظام مند درمان های توانبخشی از راه دور با استفاده از تکنولوژی های مراقبتی از راه دور در دوران پاندمی کووید- ۱۹
		۱۰:۵۰ - ۱۰:۴۰	فاطمه دارابی	مداخله آموزشی بر نگرش مراقبتی مراقبین مراکز توانبخشی شبانه روزی نسبت به افراد ناتوان ذهنی
		۱۱:۰۰ - ۱۰:۵۰	مهدی منجم	بررسی دیدگاه پرسنل مراکز جامع خدمات سلامت روستایی شهرستان خرمشهر در زمینه توانبخشی مبتنی بر جامعه
		۱۱:۱۰ - ۱۱:۰۰	غلامرضا عبدالمهی	بررسی نقش فضای متاورس در توانبخشی روانی - اجتماعی: تمرکز بر تحول در روش های درمان سنتی
		۱۱:۲۰ - ۱۱:۱۰	سعیده سادات مرتضوی	مداخلات کادر درمانی در کیفیت خواب مرور سیستماتیک
		۱۱:۳۰ - ۱۱:۲۰	علی هنری جهرمی	مروری بر اثربخشی درمان گروهی مبتنی بر ذهن آگاهی بر اضطراب و افسردگی در بیماران سکته مغزی
۱۱:۳۰ - ۱۱:۵۰	ارائه سخنان هیأت رئیسه		دکتر علیرضا درخشان راد - دکتر فرزانه یزدانی - دکتر مرضیه محمدی	
۱۱:۵۰ - ۱۲:۰۵	ارائه پوستر ها	هر پوستر به مدت دو دقیقه	حافظ صفری	تجربه زیسته معلولان مددجو از مشکلات موجود دریافت خدمات بهزیستی
			روح انگیز شیروانی	توانبخشی مبتنی بر جامعه
			محمد مهدی ابولحسنی	تأثیر واقعیت مجازی بر عملکرد شناختی در افراد مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس: یک مرور سیستماتیک
			محمد رضا کلبادی نژاد	چالش های سلامت روان در بیماران توانبخشی قلبی: مطالعه ای مروری
			محمد صادق قاسمی	گذر از نجات به زندگی : مروری سیستماتیک بر تاثیر توانبخشی در آفرینش دوباره زندگی پس از کووید- ۱۹
اختتامیه				۱۲:۰۵ - ۱۲:۳۵
صرف ناهار و نماز				۱۲:۳۵ - ۱۳:۳۰

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

۱۸





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

جدول زمانبندی روز برگزاری

Orthotic Manufacturing: CAD/CAM, Traditional Approaches, Which Way Forward? دکتر محمدتقی کریمی دکتر حسن سعیدی دکتر محمد حدادی دکتر طاهر بابایی دکتر شهربانو بیداری			
کارگاه برنامه درمانی WESTMED در درمان لکت کودکان دکتر ابوالفضل تهی دست	تازه های تربیت شنوایی فریبا میرجلیلی	پرگزاری کارگاه ها	۱۳:۳۰ - ۱۶:۳۰
آشنایی با تمرین درمانی تخصصی فیزیوتراپی در افراد اسکولیوز با روش شروت دکتر سها برویس	کاربرد مدل ICF در فرایند توانبخشی بیماران دکتر ابوالقاسم فلاح زاده		

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

۱۹





Evaluation of Shear and Compressive Stress in the Patellofemoral Joint During Stair-Descending in Individuals with Patellofemoral Pain

Hanieh Zarei1 (Ph.D), Mohammad Taghi Karimi2 (Ph.D), Leila Abbasi3* (Ph.D), Alireza Motealleh 4* (Ph.D)

Background: The stress on the patellofemoral joint (PFJ) increases during weight-bearing activities, leading to pain and functional limitations. The aim of this study was to investigate PFJ stress in individuals with patellofemoral pain (PFP) compared to normal subjects during stair descending.

Method: Fourteen females with PFP and 14 healthy controls were recruited. Kinematic data of the knee, pelvis, and trunk were recorded during stair descending. Ground reaction forces were measured using a Kistler force plate. PFJ contact force was calculated using OpenSim software. PFJ stress in the anteroposterior (AP), mediolateral (ML), and vertical (V) directions, PFJ contact area, and gluteus medius muscle forces were evaluated.

Results: No significant difference was found in PFJ contact area between groups. However, PFJ stress significantly increased in the ML, AP, and V directions in the PFP group. The maximum vertical shear stress was 17.83 ± 9.39 MPa in the PFP group compared to 9.90 ± 3.60 MPa in controls ($p < 0.05$). PFJ contact force was 5.91 ± 3.80 N/BW in the PFP group and 3.58 ± 1.40 N/BW in controls ($p = 0.00$). The peak forces of the middle and posterior gluteus medius were significantly lower in the PFP group.

Conclusion: PFJ stress increased in individuals with PFP due to higher joint contact forces, not changes in contact area. Reduced gluteus medius muscle force may contribute to altered PFJ alignment and increased stress during stair descending. Strengthening the gluteus medius should be considered in rehabilitation programs.

keywords: Patellofemoral Pain (PFP), Patellofemoral Joint (PFJ) Stress, Shear Stress, Compressive Stress

1. Student research committee, Faculty of Rehabilitation, Shiraz University of Medical Science, Iran.
2. Physical Therapy Department, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Orthopedic and rehabilitation research center, Shiraz University of Medical Sciences, shiraz, iran
3. Physical Therapy Department, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Orthopedic and rehabilitation research center, Shiraz University of Medical Sciences, shiraz, iran
4. Physical Therapy Department, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Orthopedic and rehabilitation research center, Shiraz University of Medical Sciences, shiraz, iran

*Corresponding author: Alireza Motealleh, Zand St., Shiraz, Iran; PO Box: 7198754361

Phone: +98-71-32122600; Email: motealleh@sums.ac.ir.



پيام

اركان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لينک ها



Evaluating the effects of Rocker-shoes on the knee, hip and pelvic kinematic during running in athletes with patellofemoral pain

Meysam Goosheh^{1,2}, Sara Abolahrari-Shirazi^{3,5*}, Samaneh Ebrahimi^{3,5}, Alireza Motealleh^{4,5}, Soha Bervis²,

1. Ph.D. candidate of Physical Therapy, Physical Therapy Department, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
2. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
3. Assistant Professor of Physical Therapy, Physical Therapy Department, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
4. Professor of Physical Therapy, Physical Therapy Department, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
5. Orthopedic & Rehabilitation Research Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Background: Rocker shoes, which runners use, have recently been shown to affect lower extremity biomechanics, but no studies have evaluated their effect in athletes with patellofemoral pain.

Objectives: This study compared the effect of rocker shoes with standard shoes on the hip, knee, and pelvis kinematics in athletes with patellofemoral pain during running.

Method: 18 recreational athletes with patellofemoral pain were included based on inclusion and exclusion criteria. Participants underwent three-dimensional motion analysis during the stance phase of running with each type of shoe. The peak angle of the hip and knee joints and pelvic motions were measured and compared between the two shoe types using Visual 3-D software.

Results: During running, there is no significant difference in peak knee flexion, hip flexion, adduction, internal rotation, and peak contralateral pelvic drop between athletes with patellofemoral pain who wear rocker shoes and standard shoes ($p \geq 0.05$).

Conclusion: Our findings suggest that rocker shoes do not significantly improve joint angles in athletes with patellofemoral pain during running compared to standard shoes.

Keywords: Patellofemoral Pain, Rocker shoe, Kinematic, Recreational Athlete





The Effect of Foot Orthoses Design on Balance Control in Athletes with Chronic Ankle Instability: A Prospective, Two-Arm Randomized Controlled Trial

Author:

-Hanieh Khaliliyan

PhD student of Orthotics and Prosthetics, Department of Orthotics and Prosthetics, School of Rehabilitation Sciences, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

E-mail: haniehkhaliliyan@yahoo.com

ORCID: 0000-0002-6400-5826

Abstract

Background: Chronic ankle instability (CAI) plays a significant influence on athletic performance and balance control. While foot orthoses (FOs) are commonly used in the treatment of CAI, the influence of multi-component designs is not known.

Method: Prospective randomized controlled trial comparing two FO designs in 57 athletes with CAI for six weeks. Subjects were randomly assigned to a comprehensive FO (lateral wedge, heel cup, medial arch support, and metatarsal pad) or a simpler design (heel cup and medial arch support). Stork Test, Single-Limb Stance Test (SLST), and Y Balance Test were used to measure balance control at baseline, post-intervention, and follow-ups at 4 and 6 weeks.

Results: The multi-factor FO group had significant improvement in static balance (Stork Test) at 4 and 6 weeks ($p < 0.001$). Dynamic balance demonstrated direction-specific gain, with considerable improvement in the posteromedial reach of Y Balance Test ($p < 0.001$ at 6 weeks). No difference was observed between groups in SLST or posterolateral YBT direction.

Conclusion: Multi-component FOs successfully supplement specific aspects of balance control in CAI groups through subtalar joint stabilization, pressure redistribution, and proprioceptive augmentation. Though these orthoses hold promise for the treatment of CAI-related balance impairment, effects appear task- and mechanism-dependent.

Keywords: chronic ankle instability, orthotics for the foot, balance control, athletic performance, rehab

پيام

اركان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنرانی

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها





تأثیر میکروکارنت تراپی بر درد و ناتوانی پس از جراحی های ارتوپدی: مرور سیستماتیک

نویسندگان: رامتین سرخانی^۱، مرضیه محمدی^۲، ایوب ملا^۴

تحصیلات و محل انتساب خدمت نویسندگان:

^۱ کمیته تحقیقات دانشجویی، دپارتمان فیزیوتراپی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

^۲ دپارتمان فیزیوتراپی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

^۳ مرکز تحقیقات ارتوپدی و توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

^۴ دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

نام، آدرس تماس و پست الکترونیک ارائه دهنده:

رامتین سرخانی

۰۹۲۲۳۲۲۵۷۰۸

Ramtinsarkhani2001@gmail.com

متن اصلی:

مقدمه: مدیریت درد و ناتوانی عملکردی پس از جراحی های ارتوپدی، بخش مهمی از روند توانبخشی محسوب میشود. روش های رایج شامل درمان دارویی و فیزیوتراپی رایج نظیر تمرین درمانی و استفاده از انواع مدالیت ها هستند. میکروکارنت تراپی (MCT) که نوعی تحریک الکتریکی زیرآستانه های میباشد، در مطالعات متعددی به عنوان یکی از روش های غیرتهاجمی برای بهبود ترمیم بافت، کاهش التهاب و ارتقاء نتایج عملکردی بیماران مطرح شده است.

هدف: هدف از انجام این مرور سیستماتیک، بررسی شواهد موجود در خصوص اثربخشی میکروکارنت در برنامه های توانبخشی پس از جراحی ارتوپدی، با تمرکز بر کاهش درد و ناتوانی است.

روش ها: جستجوی نظام مند بر پایگاه های اطلاعاتی Web of Science، Scopus، Embase، Pubmed و انجام شد؛ ۶۶ مطالعه شناسایی و از نظر ارتباط با موضوع مورد نظر و معیارهای ورود و خروج مورد بررسی قرار گرفت. معیارهای ورود شامل مطالعات کارآزمایی بالینی بودند که به بررسی اثر میکروکارنت در بیماران پس از جراحی ارتوپدی پرداخته شده بود. مطالعات مروری، مطالعات حیوانی، گزارش های موردی و مطالعات بالینی مربوط به انواع دیگر الکتروتراپی یا جامعه هدف غیرجراحی ارتوپدی کنار گذاشته شدند. در نهایت، چهار مطالعه واجد شرایط انتخاب و از نظر کیفیت مطالعه، ویژگی های جمعیت هدف، جزئیات مداخله و نتایج داده ها بررسی شد. کیفیت مقالات و خطر سوگیری آنها با استفاده از ابزار NIH quality assessment tool مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتیجه: مطالعات انتخابی شامل بیمارانی بودند که تحت جراحی های ارتوپدی تعویض مفصل زانو، ترمیم و بازسازی روتاتورکاف شانه قرار گرفته بودند. در تمامی مطالعات، میکروکارنت به عنوان بخشی از پروتکل توانبخشی پس از جراحی مورد استفاده قرار گرفت. در این مطالعات، داده هایی نظیر دامنه حرکتی، C-reactive، Myotone، (visual analog scale) VAS، protein maximum MWS، (simple shoulder test) SST، (walking speed) IKES، (isometric knee extension strength) و دوز مصرف ضد درد مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شد که استفاده از میکروکارنت به عنوان بخشی از مداخلات توانبخشی پس از جراحی ارتوپدی میتواند در کاهش درد، بهبود حرکتی، کاهش مصرف داروهای ضد درد و بهبود ناتوانی پس از جراحی نقش مثبت قابل توجهی داشته باشد. لازم به ذکر است که از ۴ مطالعه مورد بررسی در این مرور نظام مند، دو مطالعه کیفیت ضعیف و دو مطالعه دیگر کیفیت متوسط داشتند.

نتیجه گیری: شواهد موجود نشان دهنده نقش امیدوارکننده استفاده از میکروکارنت در بهبود روند توانبخشی پس از جراحی ارتوپدی است؛ گرچه با در نظر گرفتن تعداد اندک مطالعات موجود و کیفیت مطالعات انجام شده، نتیجه گیری دشوار است. بنابراین برای رسیدن به نتایج قطعی و طراحی پروتکل های استاندارد و انجام آنالیز آماری دقیق تر، انجام مطالعاتی با کیفیت بالاتر الزامی است.

کلمات کلیدی: میکروکارنت، جراحی ارتوپدی، مدالیت الکتریکی.



Evaluation of Static and Dynamic Stability and Its Relationship With Fear of Falling in Patients With Mild to Moderate Knee Osteoarthritis

Mahsa kaviani¹, Mohammad taghi Karimi²

1. Phd candidate of orthotics and prosthetics, Musculoskeletal Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
2. Rehabilitation Sciences Research Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Objective: Knee osteoarthritis is one of the most common musculoskeletal disorders affecting balance. It is also a risk factor for falling in older people. People with a history of falling, whether being injured or not, acquire a fear of potential falling, so they limit their functional activities, leading to decreased mobility, muscle weakness, and increased risk of falling in the future. Evaluating the relationship between balance and fear of falling in these patients can detect the disability mechanisms and falling and also help find more effective therapeutic methods for these patients. Some previous studies evaluated the stability of patients by clinical methods in static situations and related it to fear of falling. However, the walking stability of patients was not assessed by laboratory-based systems in previous studies. Therefore, we aimed to evaluate dynamic (during walking and based on the center of mass sways) and static stability (based on the center of pressure sways) and their relationship with falling risk in patients with knee osteoarthritis. **Materials & Methods:** This is a descriptive cross-sectional study. A group of 15 subjects with mild to moderate knee osteoarthritis with a Mean $\pm$ SD age of 50 $\pm$ 3.22 years and 15 normal subjects with comparable age, height, and weight participated in this study. The subjects' standing stability was evaluated using a Kistler force plate based on mediolateral (ML) and anteroposterior (AP) displacements of the center of pressure. Also, the dynamic stability of the subjects was evaluated during walking and based on the center of mass-base of support relationship in AP and ML directions. Kinematic data were collected using a motion analysis system with 7 high-speed cameras and a Kistler force plate. To model the body segments, the output of Qualisys track manager software was exported to Visual 3D software. Fear of falling was assessed by the native version of the fall efficacy scale (FES-I). The normal distribution of data was checked by the Shapiro-Wilk test. The independent samples t-test was used to compare the stability of patients and normal subjects. The Pearson correlation coefficient was used to evaluate the relationships between static and dynamic stability parameters and fear of falling in patients with knee osteoarthritis. **Results:** Patients with knee osteoarthritis had less stability during standing and walking than healthy subjects ($P<0.05$). Moreover, based on the results of this study, there was a linear relationship between the center of body pressure (COP) excursions in the AP direction and the fear of falling scale. Still, it was not significant ($r=0.416$, $P=0.123$), and there was no correlation between the other COP parameters with FES ($r=0$, $P>0.05$). The correlations between mean center of mass (COM) excursion in AP and ML directions and FES were 0.309 and -0.123, respectively; however, these correlations were also not statistically significant ($P>0.05$). **Conclusion:** Based on the results of this study, there is no significant relationship between static and dynamic stability of the patients with mild to moderate knee osteoarthritis (based on COP-COM variables) and the fall efficiency scale. So, it seems that to improve these patients' functional abilities, and the therapists must focus on the other parameters that affect the falling, such as reducing pain, improving proprioception, and enhancing muscle strength. It is suggested that future studies include a more varied age range of elderly people and evaluate all contributing factors in falling of patients with knee osteoarthritis (such as pain, proprioception, vision, and muscle strength) and also evaluate the stability of patients with both laboratory-based and clinical tests.

Keywords: Standing stability, Dynamic stability, Fear of falling, Knee osteoarthritis

پيام

اركان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لينک ها





Effect of Medial Arch Support on foot kinematics in children with Arthroereisis

Amirhossein Zare¹, Saeed Forghany², Mohammad Ali Tahririan³, Zeinab Amini¹

¹ PhD Student of Orthotics and Prosthetics, Department of Rehabilitation Sciences, Isfahan University of Medical Sciences, Zareamirhossein75@yahoo.com.

² Full Professor of Orthotics and prosthetics, Department of Rehabilitation Sciences, Isfahan University of Medical Sciences, saeed_forghany@yahoo.co.uk.

³ Assistant Professor of Surgical Orthopedics, Department of Orthopedics, Kashani Hospital, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

Abstract

Introduction: Arthroereisis of the subtalar joint is an effective method for treating symptomatic flat foot. The use of insoles with a medial longitudinal arch is a common intervention in people with Flexible flat foot. The main aim of this research is to investigate the immediate effect of insole with medial longitudinal arch after subtalar joint arthroereisis surgery on the kinematics of the foot joints during walking of children with symptomatic flat foot who have undergone subtalar joint arthroereisis.

Methods: 10 children with symptomatic flat foot after subtalar joint arthroereisis surgery were selected. These children walked at a normal speed before and after using full-length foam insoles. The range of motion of the rear part of the foot in the frontal plan and the front part of the foot in the sagittal plane before and after using the insoles was calculated with Visual 3D software. SPSS software was used for data analysis.

Results: After using a medical insole with medial longitudinal arch in children who undergone surgery, at the moment the foot hits the ground, the angle of the posterior part of the foot relative to the leg increased significantly and more inversion was seen ($P_{value} < 0.05$).

Conclusion: One of the aim goal of arthroereisis surgery of the subtalar joint is to reduce the amount of eversion of the posterior part of the foot, and the medical insoles help this goal by significantly reduction the amount of eversion of the posterior part of the foot at the moment the heel hits the ground.

Keywords: Flexible Flat Foot, Subtalar Arthroereisis, orthopedic insole, kinematics

Code of ethics: IR.MUI.NUREMA.REC.1400.015

Code of IRCT: IRCT20211030052916N1





بررسی انواع استراتژی های تشخیص سقوط: از حسگر تا الگوریتم های یادگیری ماشین

امیررضا داودی

دانشجو کارشناسی ارشد کاردرمانی، گروه آموزشی کاردرمانی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران،
ایران

Email: ami.davodi@uswr.ac.ir

Phone: 09918961280

سقوط در سالمندان، به عنوان یک رویداد شایع و پرهزینه، تهدیدی جدی برای سلامت، استقلال و کیفیت زندگی این گروه جمعیتی محسوب میشود. سیستم های تشخیص سقوط (Fall Detection Systems)، با هدف شناسایی زود هنگام این حوادث، نقش اساسی در کاهش پیامدهای ناگوار آن ایفا میکنند. در این بررسی جامع، به پژوهش های صورت گرفته در زمینه این سیستم ها پرداخته و راهکارهای گوناگون تشخیص افتادن شامل روش های Smartphone-based، Vision-based، Cloud-based، Wearable device-based، IoT-based، Sound analysis-based، Biomedical signal-based و Kinematic signal-based دسته بندی و تشریح میکنیم.

توسعه و ارزیابی این سیستم ها به شدت وابسته به وجود مجموعه داده های اختصاصی است که شامل داده های فعالیت های روزمره و نمونه های سقوط شبیه سازیشده یا واقعی میباشند. مجموعه داده های برجست های نظیر tFall، UPFall، UMAFall، MobiFall و DLR نقش مهمی در پیشبرد تحقیقات و مقایسه عملکرد الگوریتم های مختلف ایفا کرده اند. در این بررسی ضمن بررسی این مجموعه داده ها، مزایا و معایب هر رویکرد تشخیص سقوط و چالش های مربوط به مسائل امنیتی و حریم خصوصی را نیز مورد بحث قرار میدهد. در نهایت، با تأکید بر اهمیت روزافزون این حوزه و پتانسیل سیستم های تشخیص سقوط در ارتقای سلامت سالمندان و ارائه داده های ارزشمند برای برنامه های توانبخشی، زمینه های آتی پژوهش و توسعه برجسته میشوند.





نقش هوش مصنوعی در توانبخشی شنوایی افراد کاربر کاشت حلزون

نویسنده: آبلین طاهری

ارائه دهنده مقاله: آبلین طاهری

دانشجوی مقطع کارشناسی شنوایی شناسی علوم پزشکی شیراز

شماره تماس: ۰۹۱۶۴۵۸۰۱۰۶ پست الکترونیک: Lilitaheri1994@gmail.com

چکیده:

زمینه و هدف: هوش مصنوعی، به عنوان یکی از پیشرفته ترین فناوری های عصر حاضر، تاثیرات عمیقی بر حوزه های مختلف زندگی انسان ها داشته است. یکی از این حوزه ها، توانبخشی شنوایی است که به کمک هوش مصنوعی میتواند تحولی شگرف را تجربه کند. کاشت حلزون که در درمان افراد کم شنوای شدید و عمیق مورد استفاده قرار می گیرد، به عنوان یکی از شیوه های مهم درمان نقص شنوایی، نیازمند بهینه سازی و شخصی سازی تجربه کاربر آن است. یکی از عوامل مهم در اثر بخشی کاشت حلزون، پیگیری توانبخشی شنوایی به شکل مستمر است. در بسیاری از افراد، این موضوع مهم ممکن است با سهل انگاری و عدم پیگیری و مراجعه به کلینیک ها مواجه شود؛ به همین دلیل استفاده از هوش مصنوعی و نرم افزارهایی که این امکانات را از راه دور فراهم می کنند، کمک شایانی به عملکرد بهتر شنوایی و اثر بخشی بیشتر کاشت حلزون در افراد می کنند. هدف از مطالعه حاضر، مروری بر مطالعات مرتبط با نقش هوش مصنوعی در توانبخشی شنوایی افراد کاشت حلزون است.

مواد و روش ها: با استفاده از کلید واژه های Cochlear, Artificial intelligence, Audiologic Rehabilitation, implant، مقالات منتشر شده در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ در پایگاه های داده Scopus, PubMed, ScienceDirect و Proquest جستجو و بررسی شد.

یافته ها: توانبخشی شنوایی راه دور برای افراد کاربر کاشت حلزون، به صورت نرم افزارهای توانبخشی شامل تمرینات درک گفتار و تمرینات پردازش شنوایی طراحی شده اند. در این برنامه ها، عوامل مختلف تعیین کننده سطح شروع تمرینات، تغییر سطح دشواری تمرینات، استفاده از انواع محرکات گفتاری و غیر گفتاری در نظر گرفته شده است. در چندین مطالعه، در مقایسه بین افرادی که برنامه توانبخشی خود را از راه دور از طریق نرم افزار دریافت کرده اند و افرادی که توانبخشی شنوایی کلاسیک را دریافت کرده اند، به توانایی برقراری ارتباط بهتر، توانایی بهتر شنوایی و انگیزه بالاتر برای ادامه دادن برنامه های توانبخشی در گروه دریافت کننده برنامه های نرم افزاری اشاره شده است. به علاوه، در مطالعه ای در مورد ارزیابی اثربخشی ChatGPT-۴ به عنوان یک منبع اطلاعاتی تکمیلی برای بیماران کاشت حلزون بعد از عمل، نشان داده شده است که ChatGPT-۴ دارای پتانسیل قابل توجهی به عنوان یک ابزار حمایتی برای این افراد پس از جراحی است. در حالی که نمی تواند جایگزین توصیه های پزشکی حرفه ای شود، اما می تواند اطلاعات فوری، قابل دسترس و قابل درک را ارائه دهد، که به ویژه در لحظات ویژه مفید است. در زمینه طراحی ربات ها، امروزه ربات های انسان نمایی برای انجام تمرینات توانبخشی در افراد کاشت حلزون برنامه ریزی و ساخته شده اند. نتایج مطالعات نشان می دهد که ربات ها در زمینه توانبخشی شنوایی کودکان کاشت حلزون همراهم مناسبی هستند و باعث کاهش ترس و افزایش توجه و انگیزه شرکت در برنامه توانبخشی می شوند.

نتیجه گیری: گسترش هوش مصنوعی در همه موضوعات دنیا بخصوص موضوعات پزشکی کمک شایانی به افراد کرده است. در زمینه توانبخشی شنوایی در کاربران کاشت حلزون، از آنجا که پیگیری و استمرار مداوم در انجام برنامه های توانبخشی در رشد زبان شفاهی و مهارت های ارتباطی فرد کم شنوا از اهمیت بسزایی برخوردار است و ممکن است بعضی از افراد به دلیل هزینه و عدم زمان کافی، توانایی مراجعه مداوم به مراکز توانبخشی را نداشته باشند، بنابراین درمان با استفاده از هوش مصنوعی و توانبخشی از راه دور کمک قابل توجهی به رشد مهارت های شنوایی و ارتباطی این افراد خواهد کرد.

کلید واژه ها: هوش مصنوعی، توانبخشی شنوایی، کاشت حلزون





تحول در تشخیص اختلالات صوتی با هوش مصنوعی: چشم اندازی برای گفتاردرمانی

فرزان فر^۱، احسان نادری فر^۲، پروانه رحیمی فر (مسئول)^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گفتاردرمانی، مرکز تحقیقات توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

^۲ دکتری تخصصی گفتاردرمانی، مرکز تحقیقات توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

^۳ دکتری تخصصی گفتاردرمانی، مرکز تحقیقات توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

Faeze.farzanfar.slp@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۶۵۷۳۱۴۵۶

مقدمه و هدف: تولید صدا نیازمند هماهنگی چندین سیستم بیولوژیکی است که اختلال در هر یک از این سیستم ها منجر به بروز بدصدایی یا دیسفونیا میشود. اختلالات صدا میتوانند با تحت تأثیر قرار دادن کیفیت صدا و ارتباطات فرد، منجر به کاهش کیفیت زندگی شوند. روشه ای سنتی تشخیص اختلالات صوتی، معمولاً زمانبر، تهاجمی و پرهزینه بوده و نیازمند تخصص ویژه میباشد. در این راستا، هوش مصنوعی با ارائه ابزارهای قدرتمند برای تجزیه و تحلیل دادهها و توانایی یادگیری خودکار از داده ها و انجام وظایف پیچیده مانند تشخیص گفتار، پتانسیل قابل توجهی در بهبود تشخیص و درمان اختلالات صوتی دارد.

روش کار: در مقاله مروری حاضر، مطالعات منتشرشده بین سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ به زبان انگلیسی در پایگاه های الکترونیکی Pub-med، Google Scholar و Science Direct و منابع کتابخانه ای مورد بررسی قرار گرفت. جست و جوی اولیه با کلید واژه های Artificial Intelligence (AI)، Machine Learning (ML)، Voice Disorders، Voice Quality، Voice Screening، Voice Assessment، Voice Diagnosis، Speech Therapy انجام شد و در مرحله دوم مطالعات با معیار هوش مصنوعی در تشخیص اختلالات صدا انتخاب و جهت بررسی استفاده شد.

یافته ها: مطالعات نشان داده اند که سیستم های هوشمند مبتنی بر یادگیری ماشین میتوانند با تحلیل نمونه های صوتی و استخراج ویژگی های کلیدی صدا مانند زیر و بمی، جیتر، شیمر و غیره، اختلالات صوتی را تشخیص و آنها را به عنوان نرمال/ پاتولوژیک طبقه بندی کنند. مدل های یادگیری عمیق، در تجزیه و تحلیل سیگنال های صوتی و تصاویر لارنگوسکوپی برای طبقه بندی انواع مختلف اختلالات صوتی مفید بوده اند. این سیستم ها غیرتهاجمی، کارآمد و مقرون به صرفه می باشند و امکان تشخیص زودهنگام را فراهم میکنند.

نتیجه گیری: هوش مصنوعی، ابزاری قدرتمند برای تشخیص هوشمند اختلالات صوتی در اختیار متخصصان قرار میدهد و با قابلیت تجزیه و تحلیل ویژگی های صوتی و تصاویر پزشکی، میتواند به تشخیص سریعتر و دقیقتر اختلالات صوتی کمک کرده و در نهایت منجر به ارائه مداخلات به موقع و بهبود نتایج درمان گردد. اگرچه چالش هایی نظیر نیاز به داده های متنوع و استانداردسازی پروتکل های ضبط همچنان وجود دارد.

کلمات کلیدی:

Voice assessment / - Voice disorders - Machine learning (ML) - Artificial intelligence (AI)
Speech therapy - Screening - Diagnosis - Voice evaluation





استفاده از سیگنال های گفتاری جهت تشخیص مالتیپل اسکلروزس (MS) با استفاده از هوش مصنوعی

نویسنده اول: فاطمه دهقان سرشت^۱، دانشجوی کارشناسی ارشد گفتاردرمانی، مرکز تحقیقات توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

نویسنده دوم: پروانه رحیمی فر، دکترای تخصصی گفتاردرمانی، مرکز تحقیقات توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

نویسنده مسئول: احسان نادری فر، دکترای تخصصی گفتاردرمانی، مرکز تحقیقات اسکلتی عضلانی دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

مقدمه: مالتیپلاسکلروزیس یک بیماری پیشرونده و التهابی مزمن سیستم عصبی مرکزی است که با دملینه شدن و تخریب آکسون ها مشخص میشود. اختلال در مهارت های حرکتی گفتار از ویژگی های بارز آن میباشد که منجر به تغییر سیگنال های گفتاری به دنبال آن خواهد شد. لذا توجه به نقش سیگنال های گفتاری در تشخیص بیماری های نورولوژیک با استفاده از الگوریتم های هوش مصنوعی گسترش یافته است. استفاده از تجزیه و تحلیل گفتار در این بیماران میتواند به تشخیص زودهنگام اختلال خفیف حرکتی گفتار پیش از رخداد گفتارفلجی و همچنین تشخیص دقیق خستگی به کار رود. لذا هدف مطالعه حاضر مروری بر کاربرد سیگنال های گفتاری جهت تشخیص مالتیپل اسکلروزس با استفاده از هوش مصنوعی میباشد

روش: مقاله مروری حاضر براساس مطالعات منتشر شده بین سالهای ۲۰۲۴-۲۰۱۰ در پایگاه های الکترونیکی PubMed، google scholar، science direct و منابع کتابخانه ای تهیه شده است. جستجو اولیه با کلید واژه های Speech processing، multiple sclerosis، artificial intelligence، computer، speech processing model انجام شد و در مرحله دوم مطالعات با معیارهای گفتار در بیماران ام.اس و نقش پردازش گفتار در ارزیابی انتخاب و جهت بررسی استفاده گردید

نتایج: بررسی مطالعات مختلف نشان داد که اختلال گفتاری یکی از علائم شایع در بیماران مالتیپل اسکلروزیس است. گفتار به علت ماهیت پیچیده خود، میتواند وضعیت کلی سیستم حرکتی را در بیماران مالتیپل اسکلروزیس پیش بینی و حتی به صورت غیرمستقیم سیستم عصبی بیمار را بررسی کند. پردازش سیگنال گفتار با ویژگی های استخراج شده از تکالیف متنوع گفتاری انجام میشود که این ویژگیها در ۴ دسته -مبتنی بر صدا (آکوستیک، پرورودی و ..)، مبتنی بر تصویر (با استفاده از اسپکتوگرام)، مبتنی بر ویدیو (تجزیه و تحلیل حرکات لبها و سایر نشانه های صورت، مبتنی بر متن (بسامد واژگان، هم-تولیدی واجی، طبقه بندی معنایی و ..) قرار میگیرند. این روش سریع، ساده، مفید و اتوماتیک مبتنی بر رایانه میباشد و غیرتهاجمی میباشد و میتواند بار را بر سیستم مراقبتی کم کند

بحث: مطابق مطالعات انجام شده، پردازش سیگنال گفتاری یک روش ارزیابی سریع، دقیق و کم هزینه و غیر تهاجمی در کمک به تشخیص و ارزیابی شرایط بیماری میباشد. از این رو پیشنهاد میشود در کنار ارزیابی های پزشکی مثل CT scan، MRI و سایر، از پردازش سیگنال گفتاری نیز استفاده شود و همچنین در مداخلات و درمانهای گفتاری این بیماران میتوان آنها را به کار برد

کلیدواژه: ام.اس، پردازش سیگنال گفتاری، گفتاردرمانی



Applications of Artificial Intelligence in Auditory Rehabilitation

Mohaddese Vahabi¹

¹PhD Student in Audiology, Audiology Department, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences

mohaddese117@gmail.com, 09227783275

Introduction

Auditory rehabilitation is necessary to improve interactions and enhance quality of life for individuals with hearing loss. Modern methods leveraging advanced technologies provide faster functional improvement, increased patient motivation, remote monitoring, and more accessible and cost-effective rehabilitation services. Artificial intelligence (AI), with its innovative and efficient solutions, has the potential to revolutionize this field. The purpose of this study is to comprehensively review applications of AI in various aspects of auditory rehabilitation.

Materials and Methods

For this literature review, articles published between 2014 and 2024 were searched in PubMed, Scopus, and Web of Science databases. According to PRISMA protocol, related articles were selected based on inclusion criteria.

Findings

Applications of AI can be categorized into three areas:

1. Auditory Training: AI-based auditory training software offers interactive and personalized exercises that maximize auditory skills enhancement. They employ adaptive learning algorithms to adjust exercise difficulty based on user performance, while gamification techniques help boost user's motivation and engagement.
2. Hearing aid Adjustment: Intelligent systems optimize hearing aid settings based on individual needs, hearing profiles, personal preferences, and auditory environments. These systems utilize data from mobile apps to learn users' hearing habits and automatically adjust hearing aid parameters by analyzing environmental sounds in real-time.
3. Rehabilitation Outcome Assessment: AI, with machine learning algorithms and analysis of collected data, evaluates and predicts users' progress. It integrates data related to users' quality of life, social and emotional functioning, and satisfaction levels.

Conclusion

AI enhances the quality of hearing rehabilitation services in the fields of auditory training, hearing aid adjustments, and outcome assessments through advanced algorithms. However, development of these technologies requires further research, interdisciplinary collaborations, and consideration of ethical considerations. Training specialists and creating suitable infrastructure for optimal utilization of these technologies are essential.

Keywords: Artificial Intelligence, Auditory Rehabilitation, Auditory Training, Hearing aid



پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنرانی

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

۳۰



کاربرد هوش مصنوعی در توانبخشی بیماران نورولوژیک: از تشخیص افتراقی تا باز توانی شناختی و حرکتی با کمک سیستم های هوشمند

ساسان آزادی واصل آبادی
کارشناسی زیست شناسی دانشگاه پیام نور واحد فسا
sasanazadi13761997@gmail.com

چکیده

بیماری های نورولوژیک نظیر سکته مغزی، پارکینسون، آلزایمر و مولتیپل اسکلروزیس از جمله اختلالاتی هستند که تأثیرات قابل توجهی بر کیفیت زندگی بیماران داشته و نیازمند تشخیص دقیق و توانبخشی مستمر میباشند. با رشد فناوری های نوین، هوش مصنوعی (AI) به عنوان ابزاری تحول آفرین در حوزه سلامت، فرصت های تازه ای برای بهبود فرآیندهای تشخیص و باز توانی این بیماران فراهم کرده است. هدف این پژوهش، بررسی کاربردهای هوش مصنوعی در سه محور اصلی شامل: تشخیص بیماری های نورولوژیک، توانبخشی شناختی و توانبخشی حرکتی با تأکید بر فناوری های هوشمند و سیستم های تله ریهاب است.

این مطالعه با روش مرور تحلیلی - نظام مند و تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. با جستجوی هدفمند در پایگاه های علمی داخلی و بین المللی، مجموعه ای از مقالات معتبر در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ انتخاب و تحلیل شدند. یافته ها نشان داد که هوش مصنوعی در زمینه هایی چون تحلیل تصاویر پزشکی، پردازش زبان طبیعی، طراحی برنامه های تمرینی شخصی سازی شده، استفاده از رابط مغز و کامپیوتر (BCI)، ربات های توانبخشی و تله ریهاب، نقش مهمی در بهبود کیفیت خدمات توانبخشی ایفا میکند. در عین حال، چالش هایی مانند نبود داده های بومی، دشواری در تفسیر خروجی الگوریتم ها، ضعف در استاندارد سازی و پذیرش محدود فناوری، موانع اساسی در مسیر توسعه این کاربردها محسوب میشوند.

در پایان، راهکارهایی برای توسعه بومی فناوری های هوش مصنوعی در ایران، از جمله ایجاد بانک های اطلاعاتی بالینی، طراحی نرم افزارهای فارسی زبان، تقویت همکاری های میان رشته ای و توسعه زیرساخت های تله ریهاب پیشنهاد شده است. این پژوهش با ارائه چارچوبی مفهومی، زمینه را برای تحقیقات آینده و بهره گیری مؤثر از هوش مصنوعی در توانبخشی بیماران نورولوژیک فراهم میسازد. واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، توانبخشی نورولوژیک، یادگیری ماشین، واقعیت مجازی، تله ریهاب، رابط مغز و کامپیوتر



دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



پيام

اركان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لينک ها

۳۲

مروری نظام مند بر ابزارهای تشخیصی اتیسم با کمک هوش مصنوعی

امیرعلی حبیبی^۱، علیرضا براآنی دستجردی^۲، سکینه محمدزمانی^{۳*}، محمدحسن ترابی^۴

^۱ کارشناسی گفتاردرمانی، گروه گفتاردرمانی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

^۲ کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران

^۳ دانشجوی دکتری تخصصی گفتاردرمانی، مرکز تحقیقات توانبخشی، گروه گفتاردرمانی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

^۴ دکترای زبانشناسی همگانی، بنیاد سعدی، تهران، ایران

آدرس تماس و ایمیل نویسنده مسئول: Bahar221173@yahoo.com ، ۰۹۱۳۲۷۵۹۸۸۳

سابقه و هدف: از آنجاکه روشهای سنتی تشخیص اختلال طیف اتیسم (ASD) معایب مختلفی دارند، امروزه تلاش میشود با هوش مصنوعی (AI) ASD را زودتر از روشهای سنتی تشخیص دهند. هدف از پژوهش حاضر مرور بیومارکرها و رویکردهای مورد استفاده در AI برای تشخیص ASD است

مواد و روش ها: کلیدواژه های Autism، screening tools، artificial intelligence، و diagnostic در دو پایگاه Google scholar و PubMed جستجو و ۲۹۲ مقاله مربوط به ابزارهای تشخیصی ASD از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ بررسی شدند. این بازه زمانی به دلیل سرعت پیشرفت علوم رایانه انتخاب شد. در غربالگری اولیه، مطالعات مشابه و تکراری، مطالعات مروری، سخن سردبیر و نقطه نظرات، کتاب ها و مقالات غیرانگلیسی حذف شدند. سپس دو نویسنده به طور مستقل عنوان، خلاصه و کل مقالات را براساس دو معیار قابلیت پذیرش و کاربردی بودن بررسی کردند. در نهایت ۱۷ مقاله وارد مطالعه شد. نویسندگان به طور مستقل اطلاعات مورد نظر را از مقالات استخراج کردند

یافته ها: همه مقالات مورد مطالعه به نوعی با استفاده از تکنیک های مختلف هوش مصنوعی از تجزیه و تحلیل داده های حرکات و حالات چهره برای کشف بیومارکهای جدیدی استفاده کرده اند که میتواند رفتارهای مهم ادراکی و اجتماعی را رمزگذاری کرده و تفاوت های عاطفی بین دو گروه ASD و طبیعی را نشان دهند. پژوهش ها از تکنیک های مختلفی مانند واقعیت مجازی، ردیابی چشم، یادگیری ماشین، و ترکیب آنها و همچنین ترکیب هوش مصنوعی با EEG یا MRI برای تمایزگذاری دو گروه استفاده کرده اند

نتیجه گیری: مدل های طراحی شده با کمک هوش مصنوعی میتوانند کودکان ASD را از کودکان طبیعی به دقت متمایز کرده و مبنایی علمی برای توسعه ابزارهای غربالگری سریع و آجکتیو ASD فراهم آورند. همچنین، تحلیل واژگان دستوری بیومارکر امیدوارکننده تری نسبت به روش های تشخیصی سنتی در نوجوانان و بزرگسالان اتیسم سطح بالاست. به طور کلی، هوش مصنوعی امکان تجزیه و تحلیل سطح بالای داده های رفتاری پیچیده را دارد و میتوان از آن برای تشخیص زودهنگام و دقیق ASD استفاده کرد

واژه های کلیدی: اختلال طیف اتیسم، هوش مصنوعی، تشخیص زودهنگام، ابزارهای تشخیصی





بررسی تأثیر توانبخشی از راه دور مبتنی بر فناوری های دیجیتال نوین بر نتایج درمانی توانخواهان نیازمند به برنامه های توانبخشی طولانی مدت: یک مقاله مروری

رامین ابراهیم زاده^۱

چکیده

مقدمه:

توانبخشی از راه دور با بهره گیری از فناوری های دیجیتال، رویکردی نوین برای ارائه خدمات درمانی به بیماران دارای ناتوانی های جسمی محسوب میشود. این روش به ویژه در شرایط بحرانی مانند همه گیری کووید-۱۹ و مناطق فاقد دسترسی به خدمات حضوری، کاربرد گستردهای یافته است. هدف این مطالعه، مرور نظاممند تأثیر این روش بر بهبود عملکرد جسمانی و کیفیت زندگی توانخواهان بود.

مواد و روش ها:

این مرور بر اساس دستورالعمل PRISMA2020 و چارچوب PICOS انجام شد. جستجو در پایگاه های ScienceDirect، SID، Google Scholar، Embase، PubMed و تا ۵ مارس ۲۰۲۵ انجام گرفت. مقالاتی که از مداخلات توانبخشی از راه دور در قالب کارآزمایی های تصادفی استفاده کرده بودند، وارد تحلیل شدند. کیفیت مقالات با چک لیست JBI بررسی و داده ها با متاآنالیز و مدل اثرات تصادفی در نرم افزار RevMan تحلیل شدند.

یافته ها:

از ۱۰۲۵ مقاله، ۱۹ مطالعه واجد شرایط وارد تحلیل نهایی شدند. این مطالعات در کشورهای ایران، آمریکا، ایتالیا و... انجام شده بودند و از ابزارهایی نظیر واقعیت مجازی، رباتیک و نرم افزارهای موبایلی استفاده کرده بودند. نتایج نشان داد مداخلات توانبخشی از راه دور تأثیر معناداری بر بهبود عملکرد جسمانی ($SMD = 0.72$; $CI 95\%$: ۰.۴۵ تا ۰.۹۹؛ $p < 0.001$) و کیفیت زندگی ($SMD = 0.65$; $CI 95\%$: ۰.۳۸ تا ۰.۹۱؛ $p < 0.001$) داشتند. ناهمگنی مطالعات متوسط ($I^2 = 54\%$) بود.

نتیجه گیری:

توانبخشی از راه دور میتواند روشی اثربخش برای ارتقاء عملکرد بیماران و بهبود کیفیت زندگی آنان باشد. گسترش زیرساختها و انجام مطالعات طولی بیشتر توصیه میشود.

کلمات کلیدی: توانبخشی از راه دور، فناوری، کیفیت زندگی، توانخواه





مدل های پردازش زبانی و یادگیری ماشین برای خودکار سازی آزمون های گفتاری: یک مرور روایتی

علیرضا خسروانجم صدابشته^۱

مهدی میرزادی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد شنوایی شناسی، دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی، تهران، ایران

شماره تماس: ۰۹۱۱۵۵۸۲۷۸۹ ایمیل: Alirezakhosroanjom@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد کاردرمانی، دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی، تهران، ایران

سابقه و هدف: آزمون های گفتاری بخشی از تست های کلینیکی اند که از آنها برای بررسی درک گفتار، استفاده از سمعک، و پژوهش ها استفاده می شود. از مشکلات این تست ها زمان بر بودن است. مطالعات متنوعی در استفاده از مدل های پردازش زبانی برای خودکار سازی این آزمون ها صورت گرفته، هدف از انجام این پژوهش مروری بر مهم ترین روش های خودکارسازی آزمون های گفتاری می باشد.

مواد و روش: این مطالعه به صورت مرور روایتی انجام شد. در مطالعه حاضر مقالات در پایگاه های اطلاعاتی مانند Google scholar، pubmed و sciencedirect با کلید واژه های speech audiometry، automated، machine learning، neural network از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ جست و جو شد. در نهایت مطالعاتی که به بررسی روش های خودکارسازی آزمون های گفتاری پرداخته اند طی ۲ مرحله بازبینی شدند. که در مرحله اول عنوان و چکیده و در مرحله دوم کل مقاله مورد بررسی قرار گرفت. با اعمال معیارهای ورود و خروج و حذف موارد تکراری تعداد ۸ مقاله وارد مطالعه شد.

یافته ها: مدل های تبدیل گفتار به متن می توانند پاسخ آزمون شونده را به متن تبدیل کرده و میزان درستی آنها را بسنجند. از طرفی، امکان انجام تست های گفتاری در مکان هایی که امکان حضور شنوایی شناس نیست هم فراهم می شود. همچنین روش یادگیری ماشین با بررسی روی داده های سطح شروع و سطح نهایی آزمون درک گفتار (SRT)، می تواند به نحو دقیق تری، سطح شروع نزدیک به سطح نهایی را محاسبه کند.

نتیجه گیری: با در دسترس قرار گرفتن مدل های پردازش زبانی و یادگیری ماشینی امکان استفاده از این فناوری ها برای افزایش دقت و سرعت انجام آزمون های گفتاری فراهم می شود. لازم است متخصصین توانبخشی در انجام ارزیابی های خود، به فناوریهای نوین خودکارسازی آزمون ها در مراکز درمانی و آموزشی توجه ویژه ای داشته باشند.

کلید واژه ها: آزمون های گفتاری، یادگیری ماشین، پردازش زبانی



A Systematic Review of the Role of Pelvic Floor Muscle Exercises in Managing Pelvic Floor Disorders During Pregnancy and Postpartum

Nahal Badavi^{1*}, Mobina Imandust²

Department of Nursing and Midwifery, Dez.C., Islamic Azad University, Dezful, Iran
(Nahal.Badavi@iau.ir, 09033239514)

1-

Health care center, Dez.C., Islamic Azad University, Dezful, Iran

2-

Introduction: Pelvic floor disorders (PFDs) are common during pregnancy and postpartum, adversely affecting women's quality of life. Investigating non-surgical interventions for the prevention and treatment of these disorders is essential. This systematic review was conducted to evaluate the role of pelvic floor muscle exercises (PFMEs) in managing PFDs.

Methods: This systematic review, performed in 2025, aimed to comprehensively assess existing evidence through a structured search in reputable databases, including PubMed, Web of Science, and Google Scholar. The search covered articles published from 2010 to 2025. Keywords, extracted from the MeSH vocabulary, included "Pelvic", "Pregnancy," "Postpartum," and "Exercise," combined using Boolean operators (AND, OR, NOT). Inclusion criteria encompassed studies on human subjects, published in English, with full-text availability. The screening process involved three stages: title, abstract, and full-text review. After applying inclusion and exclusion criteria, 12 studies were deemed eligible for final analysis.

Results: The studies demonstrate that PFMEs are effective in preventing urinary incontinence during pregnancy and postpartum. For treating postpartum stress urinary incontinence, supervised exercise programs reduce urine leakage more effectively than no intervention. Additionally, PFMEs may enhance sexual function in women with stress urinary incontinence. Thorough training and consistent follow-up are crucial for exercise adherence, with technologies such as biofeedback and mobile applications facilitating compliance.

Conclusion: Pelvic floor muscle exercises are an effective strategy for preventing and treating certain pelvic floor disorders during pregnancy and postpartum. Proper training and supportive tools enhance their efficacy. Nevertheless, further research is required to determine optimal implementation methods.

Keywords: Exercises, Pelvic Floor Disorders, Pregnancy, Postpartum





بررسی ادراک شنیداری تقابل مختصه های همخوانی در کودکان کاشت حلزون

مهناز اسحاق^۱، اکبر دارویی^۲، رباب تیموری^۳

۱- دانشجوی دکتری گفتاردرمانی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

۲- دانشیار دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، گروه گفتاردرمانی، تهران، ایران

۳- پژوهشگر دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، مرکز تحقیقات توانبخشی اعصاب اطفال، تهران، ایران

ارائه دهنده مهناز اسحاق: نشانی: تهران، دانشگاه، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، گروه گفتاردرمانی

mahnazeshaghi@yahoo.com

09151230904

چکیده:

هدف: درک دقیق گفتار به میزان زیادی به پردازشهای آکوستیکی و واج شناختی هم خوان ها بستگی دارد. برای کودکان کاشت حلزون ادراک مختصه های همخوانی مانند ادراکی، شیوه تولید و جایگاه تولید با توجه به محدودیت های دستگاه در انتقال اطلاعات طیفی و زمانی با چالش هایی مواجه میباشد. این مطالعه ادراک تقابل مختصه های همخوانی را بررسی میکند تا مختصه هایی که ادراک دشوارتری دارند را شناسایی کند.

روش: در این مطالعه مقطعی ۲۴ کودک کاشت حلزون شده بین سنین ۹ تا ۱۳ سال که قبل از سن زبان آموزی دچار آسیب شنوایی شدند از نمونه های در دسترس در مراکز کاشت حلزون انتخاب شدند. سپس شرکت کنندگان تکلیفی از ۱۸ جفت ناکلمه که براساس پایان نامه خاورغزلانی طراحی شده بود و شامل تقابل های واکداری (/p/-/b/)، جایگاه (/t/-/k/) و شیوه (/s/-/t/) تولید همخوان بود را تکمیل کردند.

یافته ها: نتایج آزمون نشان داد که ادراک شنیداری تقابل های همخوانی در گروه کاشت به طور کلی متفاوت است ($p=0.001$). نتایج آزمون های تعقیبی نشان داد تفاوت امتیاز ادراک شنیداری مختصه های جایگاه تولید و شیوه تولید معنادار نبود ($P=0.54$). اما امتیازات دو مختصه واکداری-شیوه تولید و واکداری-جایگاه تولید تفاوت معنادار داشت ($p=0.006$) و ($p=0.001$) و دیده شد که مختصه واکداری نسبت به دو مختصه دیگر نمره ادراک کمتری دریافت کرد.

نتیجه گیری: ادراک همخوان ها به عوامل متعددی ارتباط دارد که تفکیک این عوامل از یکدیگر کار دشواری است به نظر میرسد کودکان کاشت حلزون در ادراک تقابل واکداری ضعیف تر از سایر مختصه ها عمل می کنند که ممکن است به دلیل اتکای بیشتر این مختصه به نشانه های شنیداری و یا به دلیل محدودیت شنیداری که آسیب شنوایی برای افراد با افت شنوایی خصوصا در محدوده فرکانسی واج های بیواک ایجاد میکند باشد

کلمات کلیدی: ادراک شنیداری، تقابل واجی، همخوان، کاشت حلزون





Clinical Assessment of Recurrent Falls in Older Adults: Evaluating Diagnostic Accuracy of Balance and Mobility Tests with Predictive Cutoff Values

Maryam Siyanat¹, Marzieh Mohamadi^{2,3*}, Zahra Rojhani-Shirazi², Leila Abbasi^{2,3}

1- [Student Research Committee, Department of Physical Therapy, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran](#)

2- Department of Physical Therapy, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

3- Orthopedic & Rehabilitation Research Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

* Corresponding author: Dr Marzieh Mohamadi, School of Rehabilitation Sciences, Shahid Doran Pardis, Sadra, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Email: mohamadm@sums.ac.ir

Abstract

Background: Recurrent falls are a major concern in older adults, often leading to severe physical, emotional, and financial consequences. Identifying effective tools to assess fall risk is crucial for prevention.

Objectives: This study aimed to determine the relationship between clinical tests and recurrent falls in older adults and establish cutoff points for predicting fall risk.

Methods: This cross-sectional case-control study involved 305 older adults aged 60 and above, divided into recurrent fallers (n= 153) and non-fallers (n= 152). Participants underwent demographic and medical evaluations followed by five clinical tests: One-Leg Standing Test (OLST), Tandem Standing Test (TST), Timed Up and Go Test (TUGT), Five-Times Chair Stand Test (5TCST), and the Short Falls Efficacy Scale-International (Short FES-I). Mann-Whitney U tests and ROC curve analyses were used to identify significant differences and cutoff values.

Results: Recurrent fallers had significantly lower performance on all clinical tests. The OLST and TST showed the strongest diagnostic capabilities, with cutoff values of ≤ 15 seconds and ≤ 17.9 seconds, respectively, for minimum standing time. The TUGT (cutoff > 12 seconds), 5TCST (cutoff > 10 seconds), and Short FES-I (cutoff > 8) were also significantly associated with recurrent falls. Sensitivity and specificity varied across tests, with OLST demonstrating the highest sensitivity (88.24%).

Conclusion: Clinical tests such as OLST and TST are effective in identifying older adults at risk of recurrent falls. These findings can guide healthcare professionals in implementing targeted interventions to improve safety and quality of life among older adults.

Keywords: Recurrent Falls, Older Adults, Fall Risk Assessment, Clinical Tests, Balance and Mobility, Short FES-I





اثربخشی مداخلات مبتنی بر بازی های ویدئویی بر توانبخشی شناختی در سالمندان: مروری بر ادبیات کنونی

نام نویسندگان: محمد جواد امینی فر^۱، امیرحسین معصومی پور^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

Email: aminifarmohammadjavad@gmail.com Phone number: 09223291368

۲. دانشجو کارشناسی پیوسته، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

سابقه و هدف: با افزایش چشمگیر افراد سالمند در سطح جهانی، مسائل مرتبط با اختلالات شناختی مانند مشکلات حافظه، توجه و پردازش اطلاعات به یکی از چالش های عمده در بهداشت عمومی تبدیل شده است. این مشکلات به ویژه در افرادی که به بیماری هایی مانند آلزایمر مبتلا هستند، مشکلاتی در انجام فعالیت های روزمره ایجاد کرده و منجر به کاهش توانایی های جسمی و اجتماعی آنها میشود. این اختلالات علاوه بر تأثیر بر زندگی فردی، فشار روانی و اقتصادی زیادی را به خانواده ها و جوامع وارد میکند. بنابراین، یافتن روش های مؤثر برای مقابله با این اختلالات ضروری است. یکی از روش های نوین که مورد توجه قرار گرفته، استفاده از بازی های ویدئویی به ویژه بازی های شناختی و اگزیرگ است که میتواند به سالمندان در حفظ و بهبود توانایی های شناختی کمک کند

مواد و روش ها: برای یافتن مقالات مرتبط، از پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Google Scholar، SID استفاده شد. در جستجو از ترکیبی از کلمات کلیدی شامل Computer Game، Video Games، Cognitive rehabilitation، Cognitive Training و Elderly استفاده شد. در اولین گام ۸۴ مقاله مورد بررسی قرار گرفتند که موارد شامل استفاده از هوش مصنوعی و موارد غیر مرتبط از مطالعه حذف و در نهایت، ۱۰ مطالعه در طول سالهای ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ بررسی شدند

یافته ها: در سال های اخیر، بازی های ویدئویی به ویژه بازی های شناختی و اگزیرگ (ترکیب بازی های ویدئویی و تمرینات فیزیکی) به عنوان روشی مؤثر برای بهبود اختلالات شناختی در سالمندان مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات مختلف نشان داده اند که این بازی ها به طور مؤثری در بهبود حافظه کاری، سرعت پردازش اطلاعات و عملکرد اجرایی سالمندان تأثیرگذار هستند. همچنین، ترکیب بازی های ویدئویی با فعالیت های جسمانی موجب بهبود توانایی های فیزیکی و کاهش مشکلات حرکتی، نظیر خطر سقوط، در سالمندان میشود. علاوه بر این، بازی های ویدئویی تأثیرات مثبتی در کاهش علائم افسردگی و اضطراب در سالمندان دارند و از طریق افزایش انگیزه برای مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و شناختی، کیفیت زندگی آنان را بهبود میبخشند.

نتیجه گیری: بازی های ویدئویی شناختی میتوانند به بهبود حافظه کاری، سرعت پردازش اطلاعات و عملکرد اجرایی سالمندان کمک کنند و همچنین تعاملات اجتماعی آنان را افزایش داده و از احساس انزوا و افسردگی بکاهند. با این حال، استفاده از این بازی ها با چالش هایی مانند وابستگی به ویژگی های بازی، مدت زمان و شدت استفاده روبهرو است. انگیزه پایین سالمندان برای مشارکت و استفاده نادرست از تکنولوژی نیز میتواند تأثیرات آنها را محدود کند. بنابراین، طراحی شخصی سازی شده و بهینه سازی بازی ها و برنامه های توانبخشی برای سالمندان ضروری است تا نتایج بهتری حاصل شود

واژه های کلیدی: بازی های ویدئویی، توانبخشی شناختی، سالمندان، بازی های کامپیوتری، اختلالات شناختی





Integrating rTMS with Exercise Therapy in the Rehabilitation of Cancer Patients: A Narrative Review of Chronic Neuropathic Pain Management

Parisa Alipour^{1*}, Ali Honari Jahromi²

1 Division of Laboratory Hematology and Blood Banking, Department of Medical Laboratory Sciences, School of Paramedical Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2 Autophagy Research Center, Department of Biochemistry, School of Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Parisa Alipour, 09038285240, alipourparisa5111997@gmail.com

Background

Neuropathic chronic pain is one of the most prevalent and treatment-resistant complications of cancer and its treatments. Neuropathic chronic pain is linked to dysfunction within the central and peripheral nervous systems and can greatly reduce the quality of life for patients. Repetitive transcranial magnetic stimulation (rTMS) and exercise therapy have each shown effectiveness in pain reduction and functional improvement. This study aims to review existing evidence on the combined use of rTMS and exercise therapy for managing chronic pain in cancer patients.

Method

A narrative review was carried out of articles published from 2020 to 2024 retrieved from PubMed, Scopus, and Google Scholar Search Engines. Studies evaluating the combined application of rTMS and exercise therapy for cancer-related neuropathic pain were chosen and evaluated. A total of 7 studies met the inclusion criteria and were included in this narrative review. Studies were chosen based on the measured parameters of pain intensity, motor function, quality of life, and use of analgesic medications.

Results

The studies reviewed in this narrative review demonstrated that the addition of high-frequency rTMS to exercise therapy reduced pain intensity, increased range of motion, and increased patient engagement in rehabilitation programs. This was also supported by studies reporting some decrease in dependence on analgesics and positive impacts on psychological outcomes (anxiety, depression, etc). These findings suggest synergistic effects of rTMS and exercise therapy in addressing both nociceptive and affective components of cancer-related neuropathic pain.

Conclusion

The combination of rTMS and exercise therapy is a unique, multi-modal approach to managing chronic pain in oncology patients. It facilitates pain reduction while fostering physical and psychological function. Its use in clinical rehabilitation settings may offer an interesting non-pharmacologic alternative to managing pain. Future studies should be planned to create randomized controlled trials for proper dosage and protocol optimization.

Keywords: Repetitive Transcranial Magnetic Stimulation (rTMS), Exercise Therapy, Neuropathic Pain, Cancer Rehabilitation





تاثیر مداخلات کاردرمانی و توانبخشی در مبتلایان به سرطان

فاطمه مشایخی مزار^۱، بهاره زینل زاده قوچانی^{۲،۳}

۱- کارشناس کاردرمانی، کاردرمانگر، معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، جیرفت، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد یادگیری الکترونیک در علوم پزشکی، دانشکده مجازی و قطب علمی آموزش الکترونیکی پیشرفته، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳- دکترای کاردرمانی، گروه کاردرمانی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

سابقه و هدف: سرطان یکی از بیماری های شایع در جهان است. امروزه درمان های پزشکی متعددی در این زمینه صورت می گیرد، اما نکته مهم این است که عوارض متعددی پس از درمان های پزشکی باقی می ماند. کاردرمانی با رویکرد کل نگر و بین رشته ای به تمام جنبه های زندگی با هدف رسیدن به بالاترین سطح استقلال و عملکرد در فعالیت های روزمره زندگی می پردازد. لذا این مطالعه با هدف بررسی تاثیر مداخلات کاردرمانی بر این بیماران و بهبود یافتگان انجام شد

مواد و روش ها: این مطالعه مروری نظام دار با بررسی تحقیقات در زمینه مداخلات توانبخشی، کاردرمانی و نقش آن در آنکولوژی با جستجو در سایت های معتبر علمی Google, Scopus, Medline, Pubmed

Scholar صورت گرفت. مقالات با عبارات occupational therapy.rehabilitation cancer، rehabilitation in oncology، intervention in oncology جستجو گردید که در مجموع ۲۱ مقاله در بازه سال های ۱۹۹۶-۲۰۲۲ یافت شد و مورد تحلیل قرار گرفت. مقالات در ارتباط با مداخلات پس از ترخیص از بیمارستان، مراقبت حاد (acute care)، مراقبت تسکینی (palliative care)، تمرینات پیشنهاد شده، کیفیت زندگی، ملاحظات ایمنی و عوارض پس از درمان های پزشکی هستند

یافته ها: بررسی ها نشان داده است که بیماران در بخش های فعالیت های روزمره زندگی (ADL)، کیفیت زندگی (QOL)، عملکردهای جسمانی مانند دامنه حرکتی (ROM)، سلامت جنسی، ظرفیت عملکردی و همچنین عوارض پس از درمان مانند لنفوادم، درد، خستگی، اختلالات خواب، مشکلات شناختی و بعلت اختلالات افسردگی و اضطراب دچار چالش هایی هستند و نتایج مداخلات کاردرمانی در این زمینه ها معنادار و موثر بوده است

نتیجه گیری: فرایند درمان توانبخشی شامل ارزیابی، مشاوره، روش های درمانی مناسب و همچنین مناسب سازی محیط زندگی است. در این فرایند کار تیمی و درمان تیم محور نیز در بهبود مبتلایان به سرطان نقش موثری ایفا می کند. در این فرایند، کاردرمانی یک جز ضروری مراقبت از سرطان بشمار می رود

کلید واژه ها: مداخلات کاردرمانی، عوارض سرطان، توانبخشی سرطان





عنوان: اثربخشی تمرینات کگل همراه با تحریک الکتریکی بر بازیابی عملکرد عضلات کف لگن در زنان مبتلا به بی اختیاری ادراری پس از زایمان : یک مطالعه ی مروری

نام نویسندگان: فاطمه نظر نژاد، الهام فرهادی

فاطمه نظر نژاد: کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران nazarnejadfatemeh@gmail.com

الهام فرهادی: کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران Elhamfarhadi.200080@gmail.com

مقدمه:

بی اختیاری ادراری و اختلال عملکرد عضلات کف لگن از مشکلات شایع و ناتوان کننده در زنان پس از زایمان محسوب میشود که سبب عواقب نامطلوبی بر کیفیت زندگی و نیز سلامت روانی آنان میگردد. بنابراین، چگونه بهبود PFD در زنان پس از زایمان به یک کانون تحقیقاتی تبدیل شده است. ورزش عضلات کف لگن به عنوان گزینه درمانی اولیه برای PFD شناخته شده است، اما مطالعات موجود نشان می دهد که اکثر بیماران زن PFD مطابقت ضعیفی با درمان PFME دارند. هدف از این مطالعه بررسی اثر بخشی تمرینات کگل همراه با تحریک الکتریکی بر بازیابی عملکرد عضلات کف لگن در زنان مبتلا به بی اختیاری ادراری پس از زایمان می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه ی حاضر از نوع مروری میباشد که در سال ۲۰۲۵ انجام شده است. در این مطالعه نتایج حاصل از ۱۸ مقاله بین سال های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ (۲۰۱۶-۲۰۲۵) مورد بررسی قرار گرفت. به منظور دستیابی به مستندات علمی مرتبط، جستجوی الکترونیکی به دو زبان انگلیسی و فارسی با استفاده از کلید واژه های Kegel exercises, electrical stimulation, pelvic floor muscle, restoration of function, لگن، بازیابی عملکرد در بانک های اطلاعاتی شامل PubMed, SID, UpToDate استفاده شد. مقالات وارد شده شامل کارآزمایی های بالینی تصادفی شده، مطالعات گذشته نگر و مرور های نظام مند مرتبط با زنان مبتلا به بی اختیاری ادراری پس از زایمان بودند.

یافته ها: افراد مورد مطالعه بر اساس درمان های دریافتی به یک گروه تمرین کگل، یک گروه تحریک الکتریکی و یک گروه ترکیبی گروه بندی شده بودند. یافته های این بررسی نشان داد ترکیب تحریک الکتریکی با تمرینات کگل نسبت به انجام تمرینات کگل به تنهایی اثر بخشی بیشتری در بهبود عضلانی و افزایش کیفیت زنان دارد.

نتیجه گیری: در مقایسه با PFME، ترکیب ES و PFME میتواند به طور موثری شدت PFD زنان را کاهش دهد. این درمان ترکیبی تأثیر مثبتی بر بهبود قدرت عضلات کف لگن بیماران زن دارد. برای اثبات بیشتر این یافته ها، مطالعات با کیفیت بالای بیشتری در آینده مورد نیاز است.

کلید واژه ها: تمرین کگل، تحریک الکتریکی، عضلات کف لگن، بازیابی عملکرد



دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی
۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

25.2

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصہ مقالات
یونیسٹر

درس لینک ۵

تأثیر روش های درمانی مسیر صوتی نیمه بسته بر بهبود کیفیت صوت بیماران مبتلا به فلج یک طرفه چین صوتی

دکتر سلیمه جعفری، دکتر کامیار ایروانی، دکتر مریم فهام، دکتر زهرا شایان، مینو کارگر فرد اصفهانی

سليمه جعفري، استادیار گروه گفتار درماني، دانشکده علوم توانبخشي دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

کامیار ابروآنه، استادیار، متخصص گوش، حلق و بینی، فلوشیپ لارینگولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مریم فہام، استاد بار، گفتار درمانی، Lehman, University of New York City

زهرا شایان، دانشیار گروه آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

مینو کارگر فرداصفهانی، دانشجوی کارشناسی ارشد گفتاردرمانی دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

سابقه و هدف:

یکی از اختلالات شایع در بین مراجعین کلینیک های گفتاردرمانی فلج چین صوتی به دنبال جراحی تایروئیدکتومی و در اثر آسیب عصب واگ بوجود می آید که به دو دسته ی یک طرفه و دو طرفه تقسیم میشوند. در فلجی های یک طرفه ی چین صوتی، اختلال در عملکرد حنجره با علائمی چون نفس آلودگی، کاهش دامنه ی بلندی و فرکانس، کاهش حداکثر زمان آواسازی، دیپلوفونیا، و سرفه ی ضعیف بروز می یابد که اغلب صوت درمانی به عنوان اولین راهکار درمان مطرح می شود. با توجه به اینکه روش های درمانی مسیر صوتی نیمه بسته (تمرینات فیزیولوژیک) باعث بهبود کیفیت صدا و برونداد آکوستیکی- تشدید، سهولت در آواسازی و بهبود حمایت تنفسی میشوند، در این مطالعه هدف ما بررسی میزان اثربخشی این روش ها بر روی بهبود کیفیت صوت بیماران دارای فلج یک طرفه ی چین صوتی میباشد. این تمرینات، شامل ۵ تمرین لرزش لب، لرزش زبان، زمزمه کردن، دست جلوی دهان و دمیدن در لوله میباشد که فرض اولیه بر اساس ایجاد تفاوت در پارامترهای صوتی پس از درمان بوسیله تمرینات درمانی مسیر صوتی نیمه بسته استوار میباشد.

مواد و روش ها:

فاز ارزیابی ما در این مطالعه شامل ۳ مرحله‌ی قبل ، بلافاصله و یک ماه بعد از درمان می‌باشد. این ارزیابی ها شامل خودارزیابی، ارزیابی آکوستیک، ارزیابی آیرودینامیک و ارزیابی ادراکی-شنیداری می‌باشد. پروتکل درمانی شامل ۱۰ جلسه‌ی درمان می‌باشد که تمرینهای مسیروصوتی نیمه بسته را به تدریج به بیمار همراه با مشاورات مربوطه مثل بهداشت صوت و تمرینات داخل منزل ارائه می‌دهد. در نهایت با استفاده از مقایسه‌ی نتایج ارزیابیها در ۳ فاز گفته‌شده، میزان کارایی این تمرینهای درمانی در درمان فلج یک طرفه‌ی چین صوتی مشخص می‌شود. آزمونهای آماری در این مطالعه شامل: ۱)

Paired t - test \

One Sample t-test ۲

۳- Repeated Measurement میاشد.

واژه های کلیدی:

صوت درماني، تمرينات مسير صوتي نيمه بسته، فلج يک طرفهي چين صوتي، کيفيت صوت، آريزيابي صوت، تاپروئيدکټومي.

کد پژوهش: IR.SUMS.REC.1403.542

کد IRCT: ۸۲۱۳۲





Trunk Neuromuscular Control in Multiple Sclerosis: A case control study

**Faezeh Negarestani¹, Farzaneh Yazdani², Amin Kordi Yoosefinejad³, Maryam Poursadegh Fard⁴,
Alireza Motealleh⁵**

¹Master's Student of Physical Therapy, Department of Physical Therapy, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Address: Jaddeh Shahr Sadra - after Amir al-Momenin (A.S) Burn and Trauma Hospital - Shahid Dowran Campus - School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Email: faezehne@yahoo.com

²Assistant Professor, PhD in Physiotherapy, Department of Physical Therapy, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

³Associate Professor, PhD in Physiotherapy, Department of Physical Therapy, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

⁴Associate Professor, Neurologist, Fellowship-trained in Multiple Sclerosis (MS), Department of Neurology, School of Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

⁵Professor, PhD in Physiotherapy, Department of Physical Therapy, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Abstract

Introduction: Multiple sclerosis (MS) is a progressive central nervous system disorder that causes various symptoms, including balance impairment and postural instability. While postural control deficits during standing have been well-documented in MS patients, limited research exists on unsupported sitting balance, which depends predominantly on proprioceptive input and neuromuscular control of the trunk. This study aimed to compare trunk postural control between MS patients and healthy individuals during unstable sitting.

Methods: In this case-control study conducted between December 2022 and May 2023, 26 relapsing-remitting MS patients and 26 age-, sex-, and BMI-matched healthy controls were recruited. Participants completed five 15-20 second trials of unsupported sitting on an unstable chair, which was positioned atop a wooden box placed on a Kistler force plate. Center of pressure (COP) parameters, including anterior-posterior (AP) and mediolateral (ML) displacement, mean AP and ML velocity, and sway area, were analyzed using MATLAB 2022a from the middle 7 seconds of each trial.

Results: MS patients demonstrated significantly greater COP displacements in both AP (median 70.86 vs. 49.24 mm, $p<0.01$) and ML directions (59.59 vs. 39.33 mm, $p<0.01$), higher median velocities (AP: 63.78 vs. 40.84 mm/s; ML: 51.29 vs. 31.37 mm/s, both $p<0.01$), and larger sway areas (3257.09 vs. 930.28 mm², $p<0.01$) compared to controls. All effect sizes (eta squared) were large (>0.14), ranging from 0.204 for ML velocity to 0.377 for sway area.

Conclusion: MS patients exhibit significant trunk postural control impairments during unstable sitting, likely due to disrupted sensory integration and delayed somatosensory feedback. These findings suggest that rehabilitation programs should incorporate trunk-specific balance exercises targeting proprioceptive and neuromuscular control mechanisms. The unstable sitting paradigm may serve as both an assessment tool and therapeutic intervention for postural control deficits in MS.

Keywords: multiple sclerosis, postural control, trunk stability, center of pressure, unstable sitting





اثربخشی توانبخشی روانی-اجتماعی (PSR) در افزایش رفتار سازگاران دانش آموزان عقب مانده ذهنی

حافظ صفری^{*۱}

۱- گروه روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد واحد علوم پزشکی، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول). ایمیل: (hafezsafari1991@gmail.com)
شماره تماس: ۰۹۳۰۸۹۶۸۰۸۹

چکیده

سابقه و هدف: عقب ماندگی ذهنی علاوه بر شیوع قابل توجه، با مشکلات فراوان جسمانی، روانی، تکاملی، اجتماعی و تربیتی همراه است. نقص های رفتاری، شناختی و ناسازگاری های افراد عقب مانده در زندگی روزمره آنها تاثیر ویرانگری دارد. تقویت رفتار سازگاران در این افراد بسیار مهم است و ضامن بقا و تداوم فعالیت آنها در اجتماع است. هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی توانبخشی روانی-اجتماعی (PSR) در افزایش رفتار سازگاران دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر بوده است.

مواد و روش ها: روش تحقیق پژوهش حاضر، از نوع آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل و جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی مدارس استثنایی کلان شهر کرمانشاه بوده است. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی، تعداد ۲۰ دانش آموز عقب مانده انتخاب و در دو گروه ۱۰ نفره آزمایش و کنترل گروه بندی شدند. برای گروه آزمایش ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه ای توانبخشی روانی-اجتماعی برگزار شده و برای گروه کنترل تا پایان تحقیق هیچگونه مداخله ای انجام نشد. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه سازگاری اجتماعی بل استفاده و داده های به دست آمده در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ تحلیل شده و از شاخصهای آمار توصیفی و همچنین آزمون تحلیل کوواریانس (آنکووا) استفاده شد ($p < 0.05$).

یافته ها: یافته ها نشان داد که دوره توانبخشی روانی-اجتماعی باعث افزایش سازگاری اجتماعی دانش آموزان عقب مانده ذهنی شده است و بین میانگین های دو گروه آزمایش و کنترل در نمرات پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد و نمرات پس آزمون گروه آزمایش از گروه گواه بیشتر است. بنابراین این فرضیه که توانبخشی-روانی اجتماعی (PSR) باعث ارتقای رفتار سازگاران دانش آموزان عقب مانده ذهنی میشود تایید شد.

نتیجه گیری: این تحقیق نشان داد که میتوان از روش توانبخشی روانی-اجتماعی برای افزایش سازگاری اجتماعی دانش آموزان عقب مانده ذهنی استفاده کرد. پیشنهاد می گردد که روانشناسان و مددکاران از این روش استفاده نموده تا با توانمندسازی عقب مانده های ذهنی، آنان را برای زندگی در جامعه آماده نمایند.

واژه های کلیدی: توانبخشی روانی-اجتماعی، سازگاری، نوجوان، عقب مانده، کرمانشاه.





Breaking Barriers in a Locked-Down World: A Systematic Review of Remote Rehabilitation Treatments via Telecare Technologies During the COVID-19 Pandemic

Zohreh Dehghan Harati¹, Fatemeh Akhlaghi Fath Abad²

1. MSc Student, Neonatal Intensive Care nursing, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2. MSc student, Pediatric nursing, Student Research Committee, Razi Faculty of Nursing and Midwifery, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Presenting Author: Zohreh Dehghan Harati / **Email:** nursezohreh2002@gmail.com / **Phone Number:** 09134787749

Abstract

Background and Aim: The COVID-19 pandemic served as a turning point in revising healthcare delivery methods, particularly in the field of rehabilitation. Amid global restrictions and lockdowns that minimized physical access to healthcare services, telehealth became an essential tool for maintaining treatment continuity and enhancing service quality. This systematic review analyzes the evolution and effectiveness of remote rehabilitation interventions during the pandemic, examining the implementation challenges and clinical outcomes of this approach.

Methods: In this study, a comprehensive and targeted search was conducted using the keywords “telehealth,” “treatment,” and “covid-19” in reputable international databases such as PubMed/Medline, WOS Core Collection, Scopus, and Google Scholar, along with national databases including Irandoc, Elmnet, and Magiran. In the initial phase, 300 studies were identified. After applying the inclusion criteria, which included publication within the past five years, studies without full-text access, duplicate studies, and systematic reviews were excluded from the selection process. Through rigorous evaluations and the use of validated scientific tools, a total of 19 prominent studies were ultimately selected for deeper analysis.

Results: The studies show that remote post-operative visits increase patient satisfaction. This method offers advantages such as time and cost savings, rapid access to specialists, immediate consultation for medication adjustment, and the review of test results. Additionally, it facilitates continuous patient follow-up, provides access to treatment in remote areas, and reduces the psychological burden associated with long-distance travel. Psychological support and emergency counseling are also significant benefits of this approach.

Conclusion: In conclusion, remote treatment plays an effective role in improving the quality of care by facilitating follow-up, reducing in-person visits, and enhancing access to healthcare services. Nevertheless, challenges such as the lack of sustainable infrastructure, technical disruptions, patient distrust, and unfamiliarity with technology must be addressed through comprehensive education, resource development, and intelligent policymaking.

Keywords: Treatment, Telehealth, Covid-19





مداخله آموزشی بر نگرش مراقبتی مراقبین مراکز توانبخشی شبانه روزی نسبت به افراد ناتوان ذهن

فاطمه دارابی^۱: گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسداباد، اسداباد، ایران
شاهین سلطانی^۲: مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، پژوهشکده سلامت،
دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه دارابی Email: Fatemedarabi43@yahoo.com
چکیده

زمینه و هدف: انجام مداخلات مناسب برای بهبود نگرش مطلوب مراقبتی می تواند
تأثیر زیادی در بهبود کیفیت زندگی داشته باشد. مطالعه حاضر به منظور تعیین اثربخشی
مداخله آموزشی بر نگرش مراقبتی مراقبین افراد ناتوان ذهنی انجام گردیده است.

روش بررسی: این مطالعه از نوع نیمه تجربی با طرح پیش آزمون پس آزمون همراه
با گروه کنترل بود. تمامی جامعه مورد مطالعه که در شش مرکز شبانه روزی شهرستان
کرمانشاه مشغول به فعالیت بودند به روش سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. بر این
اساس ۵۰ مراقب به صورت تصادفی ساده و از طریق قرعه کشی به دو گروه مداخله و
کنترل تقسیم شدند. برای گروه مداخله ۵ جلسه کلاس آموزشی برگزار شد ولی برای گروه
کنترل هیچ مداخله ای انجام نگردید. جهت جمع آوری داده ها از دو پرسشنامه مشخصات
فردی و پرسشنامه نگرش Goreczny استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده با استفاده از آمار
توصیفی و استنباطی انجام شد

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد، بین میانگین نمره نگرش مراقبین در هر دو گروه
مداخله و کنترل، قبل از اجرای مداخله آموزشی اختلاف آماری معناداری به دست نیامد
($p > 0/05$)، اما بعد از اجرای مداخله آموزشی، افزایش میزان نمره نگرش مراقبین در گروه
مداخله قبل ($125 \pm 9/50$) و بعد از مداخله ($174 \pm 6/42$) معنادار بود ($p < 0/001$). این
نشان می دهد که مداخله آموزشی در بهبود نگرش مراقبین در مراکز مراقبتی شبانه روزی
مؤثر بوده است

نتیجه گیری: یافته های این مطالعه پیامدهایی برای ارتقای سلامت در ایران دارد. نتایج
این مطالعه نشان می دهد که برگزاری دوره های آموزشی مرتبط با معلولیت در سایر
مراکز مراقبتی و توانبخشی در ایران می تواند گامی مؤثر در جهت تغییر نگرش و افزایش
آگاهی مراقبین و کارکنان بهداشتی باشد. با بهبود نگرش مراقبین می توان کیفیت زندگی
افراد کم توان ذهنی را بهبود بخشید

کلید واژه ها: نگرش، مراقب، توانبخشی، ناتوانی، ذهنی





بررسی دیدگاه پرسنل مراکز جامع خدمات سلامت روستایی شهرستان خرمشهر در زمینه توانبخشی مبتنی بر جامعه

۱* مهدی مجدم

۲، نرجس حسن پور

۱-استادیار سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

۲-دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

مقدمه: توانبخشی مبتنی بر جامعه (CBR) یک استراتژی کلیدی در بهبود کیفیت زندگی افراد دارای معلولیت و ادغام آنان در جامعه است. این برنامه بر مشارکت فعال افراد محلی، خانواده‌ها و سازمان های اجتماعی تأکید دارد. با توجه به اهمیت نقش پرسنل بهداشتی در اجرای موفق CBR، این مطالعه با هدف بررسی دیدگاه آنان در مراکز جامع خدمات سلامت روستایی شهرستان خرمشهر انجام شد.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی بود که در سال ۱۴۰۲ انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه پرسنل مراکز جامع خدمات سلامت روستایی شهرستان خرمشهر بود، که تعداد ۷۳ نفر با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. داده ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته، شامل سؤالاتی درباره آگاهی، نگرش و چالش های اجرای CBR، جمع آوری شد. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS و استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی انجام گرفت.

نتایج: یافته ها نشان داد که ۶۵٪ از پرسنل آگاهی متوسطی از CBR داشتند و ۷۲٪ اجرای آن را در ارتقای سلامت اجتماعی مؤثر میدانستند. مهمترین موانع اجرا، کمبود نیروی متخصص (۵۸٪)، نبود آموزش کافی (۴۵٪) و محدودیت منابع مالی (۶۳٪) بود. همچنین، ۸۰٪ مشارکت خانواده ها و نهادهای محلی را عامل کلیدی موفقیت برنامه ارزیابی کردند.

نتیجه گیری: برای بهبود برنامه CBR در خرمشهر، افزایش آگاهی پرسنل، آموزش تخصصی و تأمین منابع مالی ضروری است. تقویت همکاری بین سازمانی و جلب مشارکت جامعه محلی نیز میتواند به اجرای مؤثرتر این برنامه کمک کند.

واژگان کلیدی: توانبخشی مبتنی بر جامعه، مرکز بهداشت، خرمشهر، پرسنل بهداشتی، معلولان



دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

بررسی نقش فضای متاورس در توانبخشی روانی - اجتماعی: تمرکز بر تحول در روش های درمان سنتی

ریحانه سادات موسوی^۱، غلامرضا عبدالهی^۱، رضا بصیریان جهرمی^۲*

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
gh.abdollahi@bpums.ac.ir

۰۹۱۷۸۳۳۴۷۹۷

^۲ دانشیار گروه کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، دانشکده ی پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
سابقه و هدف: توانبخشی روانی - اجتماعی، رویکردی همه جانبه است که در بهبود مهارت های فردی و اجتماعی افراد دارای اختلالات روانی، و بازگشت آنان به زندگی و مشارکت در جامعه نقش دارد. در این میان، متاورس به عنوان یک دنیای سه بعدی با ترکیب واقعیت مجازی و واقعیت افزوده و ایجاد محیط های مجازی تعاملی، فضایی مناسب را برای تحول در روش های درمانی سلامت روان فراهم میکند. بنابراین هدف این پژوهش، تعیین نقش متاورس در تغییر روش های درمان سنتی به سوی افق های نو در زمینه توانبخشی روانی - اجتماعی است.

مواد و روش ها: مطالعه مروری حاضر، حاصل جست و جو در پایگاه های داده ای معتبر شامل Google scholar و PubMed با کلیدواژه های متاورس، توانبخشی و درمان سنتی در بازه ی زمانی ۲۰۲۰-۲۰۲۵ میباشد. جستجوی اولیه شامل ۳۰ مقاله بود که ۶ مورد آن معیارهای ورود را داشتند و چارچوب پیکو (جمعیت، مداخله، مقایسه و نتیجه) رویکرد تحقیق را هدایت نموده است.

یافته ها: افزایش هزینه های مراقبت های بهداشتی، شیوع اختلالات سلامت روان و کمبود پرسنل، سیاست گزاران را وادار به جست و جوی راه حلی برای مدیریت بیماران در خارج از بیمارستان ها نموده است. مجازی سازی مراقبت در متاورس، ایده های نوظهور است که با ارائه خدمات درمانی از راه دور، هزینه ها را کاهش داده و دسترسی را به ویژه برای ساکنان مناطق دورافتاده یا افراد دارای ناتوانی حرکتی آسان تر میکند. از طرفی این دنیای مجازی با ایجاد محیط های امن و کنترل شده، میتواند بر موانعی چون اختلالات شناختی، انگ اجتماعی و چالش های فرهنگی غلبه کند. مفهوم "MEDverse" به کاربرد متاورس در پزشکی به ویژه سلامت روان اشاره دارد که میتواند با ایجاد محیطی مجازی، ارتباط بیماران و پزشکان را در طول فرآیند مراقبت (ویزیت های مجازی، جلسات درمانی و فعالیت های توانبخشی گروهی) فراهم سازد.

نتیجه گیری: فضای متاورس این پتانسیل را جهت انقلاب در مراقبت از سلامت روان، کاهش انگ و ارائه مداخلات در دسترس دارد. با این حال، متاورس هنوز در ابتدای راه است و برای رفع چالش های امنیتی، گسترش زیرساخت ها و دسترسی همگانی، به پژوهش های بیشتری نیاز دارد. بنابراین پیشنهاد میشود همکاری میان متخصصان علوم اعصاب، روانشناسان، مهندسان کامپیوتر و دیگر رشته های مرتبط برای توسعه کاربردهای مؤثر، اخلاقی و انسان محور متاورس در حوزه سلامت روان، تقویت شود.

واژه های کلیدی: متاورس، واقعیت مجازی، واقعیت افزوده، توانبخشی، درمان سنتی

۴۸





A Review on the Effectiveness of Mindfulness-Based Group Therapy on Anxiety and Depression in Stroke Patients

Ali Honari Jahromi¹®, Parisa Alipour²©

1 Autophagy Research Center, Department of Biochemistry, School of Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2 Division of Laboratory Hematology and Blood Banking, Department of Medical Laboratory Sciences, School of Paramedical Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Ali Honari Jahromi, 09368958706, alihonari78@gmail.com

Background:

Stroke is one of the top causes of long-term disability around the world and often has psychological ramifications such as anxiety and depression. These psychological disorders are often barriers to recovery and decreases the quality of life of stroke patients. Mindfulness-Based Group Therapy (MBGT) is gaining popularity as an adjunct to mental health care. The purpose of this review is to systematically assess the effects of MBGT to reduce anxiety and depression within stroke patients.

Method:

This was a systematic literature review. Sources were searched through PubMed, Scopus, Web of Science, ScienceDirect, and Google Scholar with the keywords "Mindfulness-Based Group Therapy," "stroke," "anxiety," "depression," "neurorehabilitation." Articles published from 2010 to 2024 were included. The original search yielded 68 articles in total. From the list, 10 studies were selected and analyzed based on the inclusion criteria.

Results:

It has been deduced from reviews of studies that Mindfulness-Based Group Therapy is an effective treatment for anxiety and depression with stroke patients. Indeed, after attending mindfulness sessions, the patients improved statistically significantly on various standardized psychological assessments of depression and anxiety. Other emotional domains that benefited were emotional regulation, self-efficacy, and quality of life. Group mind-body sessions also fostered feelings of social support, diminished isolation, and strengthened positive contacts between patients.

Conclusion:

It seems that Mindfulness-Based Group Therapy is significantly successful and beneficial in managing the psychological disorders post stroke. These interventions are not only reducing anxiety and depression but also group cohesion and the overall quality of life for patients. Recommendations include incorporation of MBGT training in psychosocial rehabilitation programs for neurologic patients, and further studies would need to delve into the long-term impacts. MBGT was found effective in stroke patients of different age groups and severity levels, suggesting its validity as an adjunct to psychosocial rehabilitation.

Keywords: Mindfulness-Based Group Therapy (MBGT), psychological disorders, psychosocial rehabilitation, Stroke





Occupational therapy interventions in Sleep Quality: A systematic review

Saideh Sadat Mortazavi¹, Ebrahim Pishyareh², Hojjat Allah Haghgoo³, Mohammad-Reza Khodaei
Ardakani⁴, Seyed Ali Hosseini⁵, Samaneh Hosseinzadeh⁶

1 Ph.D. Student in Occupational Therapy, the University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran. ORCID ID: 0000-0001-

6023-8780 email: s.mortazavi.ot@gmail.com

2 Department of Occupational Therapy, School of Rehabilitation, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

3 Department of Occupational Therapy, School of Rehabilitation, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

4 Psychosis Research Center. University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.

5 Department of Occupational Therapy, School of Rehabilitation, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

6 Assistant Professor, Department of Statistics, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

ABSTRACT

Objectives:

Sleep is a necessary need and it plays a role in a wide range of psychological and physiological functions; however, occupational therapy interventions in sleep quality are not fully recognized. Therefore, we reviewed and discussed the occupational therapy interventions on the sleep quality of adults in three areas person, environment, and occupation.

Methods:

A computerized search of the databases was conducted between February 2023 and March 2023 using the following keywords, ((Sleep* OR "Sleeping Habit*" OR "bed Rest *" OR insomnia* OR "Sleep Initiation and Maintenance Disorde*") AND ("Occupational Therapy" OR ergotherap* OR "Occupation based Interventions" OR "Occupation-based Interventions" OR "Occupational Therapy Practice" OR "occupation-based program" OR "occupationbased program" OR "occupation-centered Interventions" OR "occupationcentered Interventions" OR "occupational therapy" OR "occupational therapist") AND adult*)

Results:

After applying inclusion and exclusion criteria and appraising the quality, five studies were included and the data were extracted. Some programs that ultimately improve sleep disturbance include sleep hygiene education, group coaching (time use and occupation mix, explore characteristics of occupation), uses of mindfulness meditation, cognitive strategy, physical activity, CBT, occupational balance, environmental modifications, sleep restriction, and stimulus control.

Keywords: Occupational therapy interventions, Sleep Quality, systematic review

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنرانی

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

۵۰





The Effect of Gluteal Kinesio-Taping on Ankle Function, Dynamic Balance, and Electromyographic Activity of

Gluteal Muscles in Male Soccer Players with Chronic Ankle Instability: A Randomized Clinical Trial Hanieh Zareil (Ph.D), Habiballah Lari1 (M.s), Amini Kordi Yousefinejad2 (Ph.D), Alireza Mottealeh3* (Ph.D)

Affiliations:

1. Student research committee, Faculty of Rehabilitation, Shiraz University of Medical Science, Iran.
2. Faculty of Rehabilitation, Shiraz University of Medical Science, Iran.
3. Orthopedic and rehabilitation research committee, Faculty of Rehabilitation, Shiraz University of Medical science, Iran

*Corresponding author: Alireza Mottealeh, Zand St., Shiraz, Iran; PO Box: 71348-14336.

Phone: +98-71-36261081; Email: pmottealeh@gmail.com; motealleh@sums.ac.ir.

Background: Chronic ankle instability (CAI) is associated with balance disorders and functional deficits in soccer players. Impaired gluteal muscle function contributes significantly to these issues, as these muscles play a crucial role in maintaining lower limb stability and balance. This study aimed to evaluate the effects of Kinesio-taping (KT) on the electromyographic (EMG) activity of gluteal muscles, ankle function, and dynamic balance in male soccer players with CAI.

Methods and Materials:

In this randomized clinical trial, 30 male soccer players with CAI were randomly assigned to either the gluteal KT group (case) or the sham control group.

Gluteal EMG activity, onset time, ankle function (Single-Leg Hop Test), and dynamic balance (modified Star Excursion Balance Test, mSEBT) were assessed pre-taping, immediately post-taping, and 48 hours later.

Results:

The case group demonstrated significant increases in gluteus medius EMG activity ($P < 0.05$) and reductions in gluteus maximus onset time ($P < 0.05$) at both immediate and 48-hour follow-ups. Statistically significant improvements were also observed in single-leg hop distance ($P = 0.001$) and dynamic balance ($P < 0.05$) in the KT group compared to the control group. However, changes did not consistently meet minimal clinically important difference (MCID) thresholds for the mSEBT (4–5 cm per direction) or single-leg hop test (8–10 cm).

Conclusion:

KT enhances gluteus medius activation, reduces gluteus maximus onset time, and improves ankle function and dynamic balance in soccer players with CAI. While statistically significant, the observed improvements may require integration with other rehabilitation strategies to achieve clinically meaningful outcomes. Future studies should explore long-term effects, diverse populations, and combined interventions to optimize functional gains.

Keywords:

Ankle instability, Electromyography, Kinesio-taping, Balance





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



پایم

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پروستر

آدرس لینک ها

عنوان: مقایسه تاثیر خستگی بر کینماتیک و کیفیت حرکت برشی جانبی در دو حالت پیش بینی شده و پیش بینی نشده در ورزشکاران با بازسازی رباط صلیبی قدامی و ورزشکاران سالم

نام نویسندگان:

فاطمه صبحی^۱، مریم سعادت^۲، سعیده منجزی^۲، معصومه حسام^۳، محمد مهرآور^۴

۱. دانشجوی، کارشناسی ارشد فیزیوتراپی ورزشی، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، دانشکده توانبخشی

۲. استادیار، دکتری تخصصی فیزیوتراپی، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، دانشکده توانبخشی

۳. دانشیار، دکتری تخصصی فیزیوتراپی، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، دانشکده توانبخشی

۴. مربی گروه آموزشی فیزیوتراپی، کارشناسی ارشد، مهندسی مکانیک، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، دانشکده توانبخشی

ارائه دهنده: فاطمه صبحی، ۰۹۱۶۵۰۷۲۲۴۱، saboo515@yahoo.com

سابقه و هدف: یکی از شایع ترین آسیب های ورزشکاران، پارگی رباط صلیبی قدامی می باشد. جراحی به روش بازسازی رباط صلیبی قدامی، بعنوان درمان استاندارد پارگی این رباط و برای ایجاد ثبات در زانو معرفی شده است. بر اساس مطالعات امکان آسیب مجدد به رباط و یا ابتلا به دیگر آسیب های شایع زانو مثل استئوآرتریت زانو وجود دارد. یکی از عوامل تاثیر گذار در آسیب رباط صلیبی قدامی خستگی است. برش های جانبی ای که با سرعت رسیدن بیشتر و زاویه برش بزرگتر (تیز تر) انجام می شوند تکانه بیشتری لازم دارند و در نتیجه نیروی عکس العمل زمین و گشتاور های ابداعش زانو بیشتر می شود. هدف از مطالعه حاضر مقایسه تاثیر خستگی بر کینماتیک و کیفیت حرکت برشی جانبی در شرایط پیش بینی شده و پیش بینی نشده در ورزشکاران با بازسازی رباط صلیبی قدامی با ورزشکاران سالم است.

مواد و روش ها: شرکت کنندگان شامل دو گروه ۱۸ نفره از ورزشکاران با سابقه بازسازی رباط صلیبی قدامی و ورزشکاران سالم هستند. ورزشکاران باید ۶ حرکت تغییر جهت موفق با زاویه ۴۵ درجه قبل از پروتکل خستگی و ۶ حرکت بعد از آن در هر جهت به صورت ۳ حرکت پیش بینی شده و ۳ حرکت پیش بینی نشده انجام دهند. داده های کینماتیک اندام تحتانی با استفاده از سیستم آنالیز حرکت وایکن و کیفیت حرکت با مقیاس ارزیابی کیفی (CAMS) حرکت برش جانبی قبل از انجام پروتکل خستگی و بلافاصله بعد از آن اندازه گیری خواهد شد.

واژگان کلیدی: رباط صلیبی قدامی، خستگی، کینماتیک، کینتیک، ورزشکاران





بررسی تاثیر افزودن شاک ویو درمانی به تمرینات ورزشی بر درد و عملکرد بیماران مبتلا به آسیب تروماتیک منیسک داخلی زانو

فاطمه کشاورزی^۱، سارا ابولاحراری شیرازی^۲، نسرین صالحی دهنو^۲، علیرضا متاله^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیوتراپی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

^۲ استادیار گروه فیزیوتراپی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

^۳ استاد تمام گروه فیزیوتراپی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

زمینه و هدف: پارگی تروماتیک منیسک در بزرگسالان جوان یکی از شایعترین آسیب های زانو است. هدف از انجام این مطالعه بررسی تاثیر افزودن شاک ویو درمانی به تمرینات ورزشی بر درد و عملکرد بیماران مبتلا به آسیب تروماتیک منیسک زانو بود

روش تحقیق: در این مطالعه کارآزمایی بالینی تصادفی شده (IRCT20131225015932N19)، ۴۲ بیمار مبتلا به پارگی تروماتیک منیسک داخلی زانو (میانگین سنی 24 ± 34 سال) به صورت تصادفی به دو گروه شاک ویو (۲۱ نفر) و تمرینات ورزشی (۲۱ نفر) تقسیم شدند. بیماران در هر دو گروه ۶ هفته تمرینات ورزشی، سه روز در هفته دریافت میکردند. در گروه شاک ویو بیماران علاوه بر تمرینات ورزشی، ۴ جلسه شاک ویو، هر جلسه ۴۰۰۰ ایمپالس با انرژی ۰/۲۴ میلی ژول و فرکانس ۸ هرتز بر روی سطح مفصلی داخل زانو دریافت میکردند. قبل، بلافاصله بعد و یک ماه پس از اتمام درمان، شدت درد، عملکرد، تعادل پویا و کیفیت زندگی در هر دو گروه اندازه گیری شدند. برای آنالیز داد ها از روش آماری آنالیز واریانس با اندازه گیری های مکرر استفاده شد

یافته ها

در هر دو گروه، شدت درد، عملکرد، تعادل پویا و کیفیت زندگی در طول زمان به طور معناداری بهبود یافته بود. مقایسه بین دو گروه نشان داد که شدت درد بعد از مداخله و در فالوآپ، در گروه شاک ویو به طور معناداری کمتر از گروه تمرینات ورزشی بود. همچنین، گروه شاک ویو در بهبودی عملکرد و تعادل پویا، هم بعد از مداخله و هم در فالوآپ، نسبت به گروه تمرینات ورزشی پیشرفت بیشتری داشتند. علاوه بر این، گروه شاک ویو کیفیت زندگی بالاتری را در هر دو بازه زمانی پس از مداخله و فالوآپ گزارش کردند.

نتیجه گیری:

با توجه به اثربخشی اضافه کردن شاک ویو به تمرینات ورزشی در کاهش بیشتر درد و بهبود بهتر عملکرد، تعادل پویا و کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به پارگی تروماتیک منیسک زانو، میتوان نتیجه گرفت که شاک ویو میتواند به این بیماران کمک کند تا سریعتر و بهتر به فعالیتهای روزمره و ورزشی خود بازگردند

واژه های کلیدی: پارگی منیسک، شاک ویو درمانی، تمرینات ورزشی، درد، عملکرد



Comparing the effectiveness of modified Iranian and rigid Minerva braces in cervical and thoracic spine movements

Alireza Khalili¹, Hossein Asiyaeimehr², Mohammad Taghi Karimi³, Amirhossein Zare⁴

¹ MSC Student of Orthotics and Prosthetics, school of rehabilitation sciences, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

² Associate Prof., Dept. of Orthotics and Prosthetics, School of Rehabilitation Sciences, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

³ Rehabilitation Sciences Research Center, Shiraz University Research Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

⁴ PhD Student of Orthotics and Prosthetics, Department of Rehabilitation Sciences, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran, Zareamirhossein75@yahoo.com.

Abstract

Introduction: To facilitate the fusion of the injury site for non-operative treatment or after surgery, various braces are available to immobilize an unstable cervical spine. The most effective and successful braces for immobilizing unstable cervical spine injuries are Minerva and Halo. The performance of cervical braces was measured by the degree of motion restriction. This study aims to obtain information on the function of modified Iranian and rigid Minerva braces compared with each other by relying on three-dimensional motion analysis as a standard method.

Methods: Twenty-nine healthy male subjects without a history of spinal pain, malformation, and surgery were included in the study. This is a cross-sectional study. A 3D Motion capture system was used to record cervical and thoracic spine flexion, extension, lateral bending, and rotation. Range of motion was tested without a brace, with modified Iranian and rigid Minerva braces.

Results: Immobilization in flexion ($89.03\% > 87.8\%$) and rotation ($84.85\% > 83.19\%$) were higher in the modified Iranian Minerva than in rigid Minerva, but extension ($89.37\% > 85.95\%$) and lateral bending ($81.26\% > 71.71\%$) were higher in rigid Minerva at cervical region (p value > 0.05). In flexion ($76.35\% < 75.96\%$), lateral bending ($46.92\% > 44.5\%$) and extension ($79.44\% > 62.58\%$) immobilization were higher in the rigid Minerva than modified Iranian Minerva, but rotation ($53.04\% > 41.21\%$) was more restricted in the modified Iranian Minerva than in the rigid Minerva at the thoracic region (p -value > 0.05).

Conclusion: Both Minerva braces significantly reduced the neck's range of motion (p -value < 0.05). The Rigid Minerva was more effective in controlling extension and lateral bending, but the modified Iranian Minerva provided greater flexion and rotation limitations (p -value < 0.05).

Keywords: Neck, Cervical, Brace, Range of motion, Minerva

پيام

اركان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پروپستر

آدرس لينک ها

۵۴





gastroc-soleus “Impact of night orthotic managements on with flexible flatfoot”: Systematic complex tightness in pediatric Review

Sahar Payehdar¹, Alireza Taheri¹ and Mohammadali Tahririan²

1•Department of Orthotics and Prosthetics, Faculty of Rehabilitation Sciences, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.¹

2•Department of Orthopedic, Faculty of Medical Sciences, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran²

Abstract

Background: Equinus generally is linked to many foot and ankle pathologies. A reasonably convincing relationship was found between isolated gastrocnemius or Achilles contracture and the flatfoot deformity. Achilles' tightness in flatfoot children can lead to future pain and disability, which makes it more important than other types of flatfeet. Findings in the literature suggest stretching and orthotic management as a conservative treatment for this compound disorder.

Objective: This review aimed to examine the impact of orthotic managements on gastroc-soleus complex tightness in pediatric with flexible flatfoot.

Study design: Systematic review.

Methods: A systematic search of electronic databases (PubMed/MEDLINE, Embase, Cochrane Central Register of Controlled Trials, Scopus, and Web of Science) was performed to find relevant articles. The level of evidence and quality was identified using Downs and Black (1998). This review was conducted and reported in line with the Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta Analyses statement.

Results: Three hundred fifty-seven studies were found by searching electronic databases. After removing duplicate documents, 190 documents remained. Three other articles were identified from the screened of related references. During title/abstract screening, 193 studies were excluded and no study was selected for full consideration for the present review.

Conclusions: In conclusion, no study assessed the impact of orthotic management on gastroc-soleus complex tightness in children with flexible flatfoot. These devices have been proposed in spastic and nonspastic patients. Hence, researches that show whether these devices can be effective on gastrocnemius or Achilles tendon tightness in flatfoot children or not will be worthwhile.

Keywords: pediatric, flexible flatfoot, equinus, gastroc-soleus, gastrocnemius, tightness, stiffness





کاربردهای نوین هوش مصنوعی در توانبخشی دوران پس از سرطان: یک مرور نظام مند

نام نویسندگان:

محمد هادی آیتی ۱، فاطمه علی اسماعیلی ۲

وابستگی سازمانی نویسندگان:

۱ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۲ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

مشخصات فرد ارائه دهنده:

ftmalismly@gmail.com

۰۹۳۰۷۶۵۶۸۶۷

سابقه و هدف:

با افزایش نرخ بقاء بیماران سرطانی، نیاز به توانبخشی مؤثر پس از درمان بیشتر شده است. هوش مصنوعی با شخصی سازی برنامه ها و تحلیل داده ها، میتواند به بهبود کیفیت زندگی این بیماران کمک کند. در جستجوی ما، مطالعه فارسی جامعی در این زمینه یافت نشد؛ لذا این مطالعه، جهت بررسی کاربردهای نوین هوش مصنوعی در توانبخشی دوران پس از سرطان بصورت سیستماتیک صورت گرفت.

مواد و روشها:

در این مرور سیستماتیک جست و جوی گسترده با کلیدواژه های سرطان، نئوپلاسم، بدخیمی، تومور و هوش مصنوعی در پایگاه های بین المللی WOS core collection ، PubMed/Medline ، Elmnt ، Magiran ، SID و پایگاه های ملی Google/Scholar و مطالعه بدست آمد. معیار ورود ، مطالعات انجام شده در ۱ سال اخیر بود. مطالعات مروری و ادبیات خاکستری خارج و موارد تکراری حذف شدند. پس از نقد با ابزارهای مربوطه، نهایتاً ۷ مطالعه تجزیه تحلیل شد. ملاحظات اخلاقی عدم سوگیری در مراحل انتخاب، استخراج، تحلیل و طبقه بندی شواهد رعایت و چکیده طبق PRISMA گزارش شد

یافته ها :

هوش مصنوعی نقش مهمی در بهبود توانبخشی بیماران سرطانی دارد؛ از شخصی سازی تغذیه و درمان تا مدیریت علائم پس از جراحی. همچنین هوش مصنوعی با تحلیل CT و عوامل خطر، دقت تشخیص سرطان ریه را بالا میبرد و مدل های CNN و FFNN عملکرد بهتری نسبت به سایر الگوریتم ها دارند. این فناوری با کمک تحلیل های پیشرفته، میتواند تجربه درمانی را مؤثرتر و انسانی تر کند. با این حال، اجرای مسئولانه آن مستلزم توجه به ملاحظات اخلاقی، حریم خصوصی داده ها و همکاری میان رشته ای است

نتیجه گیری:

یافته ها نشان دادند که الگوریتم های مبتنی بر هوش مصنوعی نقش مؤثری در بهبود توانبخشی بیماران سرطانی، ایفا میکنند و به رهگیری مؤثر از این پیشرفت ها، نویدبخش بهبود نتایج بیماران و بهینه سازی فرآیندهای تشخیصی می باشند. پیشنهاد میشود پژوهشهای آینده بر طراحی مداخلات هوشمند و فردی سازی شده برای بازماندگان سرطان تمرکز کنند.

کلید واژه ها: هوش مصنوعی، توانبخشی، سرطان، مروری





کاربردهای هوش مصنوعی در توانبخشی از راه دور و شخصی سازی شده برای بیماران دچار سکته مغزی

سید صدرا مجیدزمانی^۱

(۱) دانشجو کارشناسی، گروه ارتوز و پروتز، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران
آدرس تماس: گروه ارتوز و پروتز، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

E-mail: sadramajidzamani2016@gmail.com

۱- مقدمه و هدف پژوهش

سکته مغزی یکی از علل اصلی ناتوانی است که توانبخشی سنتی آن محدودیت هایی دارد. هوش مصنوعی میتواند به درمان های شخصیسازی شده و توانبخشی از راه دور نتایج درمانی را بهبود بخشد. هدف این مطالعه بررسی کاربرد هوش مصنوعی در توانبخشی سکته مغزی و تحلیل مداخلات مختلف مبتنی بر AI^۱ است.

۲- مواد و روش ها

مطالعات از پایگاههای IEEE Xplore، Web of Science، Scopus، PubMed، Google Scholar در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ جستجو شدند. پس از غربالگری، ۱۷ مقاله برای بررسی نهایی انتخاب شدند

۳- یافته ها

۳-۱- پایش حرکت از راه دور: سیستمهایی مانند ReMoVES و سنسورهای پوشیدنی به ثبت حرکات بیماران و ارائه بازخورد بلا درنگ کمک کرده اند. این سیستم ها میتوانند حرکات بیمار را ثبت و تجزیه و تحلیل کنند، که به کاهش وابستگی به درمانگران و انجام تمرینات خانگی کمک میکند

۳-۲- توانبخشی خانگی: سامانه های هوش مصنوعی از سنسورها و الگوریتم های یادگیری ماشین برای ارائه توانبخشی فیزیکی و شناختی در خانه استفاده میکنند. این سیستم ها به درمانگران امکان پایش از راه دور و تنظیم درمان را میدهند. در برخی سیستم ها، بازی های درمانی و محیط های واقعیت مجازی برای حفظ انگیزه بیمار استفاده میشود

۳-۳- توانبخشی شناختی و گفتار: اپلیکیشن های mHealth مبتنی بر AI، تمرینات شخصیسازی شده را برای بیماران فراهم کرده اند. این اپلیکیشن ها با تنظیم خودکار تمرینات بر اساس پاسخ های بیماران، اثربخشی درمان را افزایش میدهند

۳-۴- یادگیری ماشین^۲: الگوریتم های یادگیری ماشین به طور خودکار تمرینات را تنظیم کرده و برنامه های درمانی را بر اساس داده های فردی بیماران بهینه میکنند

۴- بحث و نتیجه گیری

هوش مصنوعی در توانبخشی سکته مغزی با بهبود دسترسی و شخصیسازی درمانها مؤثر است. چالش هایی مانند سوگیری الگوریتم ها و مسائل امنیتی داده ها وجود دارند، اما این فناوریها توانبخشی مؤثرتر و قابل دسترسی را فراهم میکنند

- کلمات کلیدی

Stroke Rehabilitation, Artificial Intelligence (AI), Telerehabilitation, Deep Learning, Cognitive Rehabilitation, Home-Based Therapy, Wearable Sensors





بررسی ارتباط تحلیل اکوستیکی گفتار و صدا جهت تشخیص و پویش بیماری پارکینسون با هوش مصنوعی

زهراناصری، پروانه رحیمی فر، احسان نادری فر
مرکز تحقیقات توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی جندیشاپور اهواز، اهواز، ایران
zahranslp@gmail.com

سابقه و هدف: این مطالعه بر اهمیت استفاده از پردازش سیگنال گفتار در پایش روند پیشرفت و شدت بیماری پارکینسون تأکید دارد. سیگنال های گفتاری قادرند تغییرات ظریف در سیستم عصبی را شناسایی کنند و روشی غیرتهاجمی و خودکار برای ارزیابی بیماری ارائه دهند. هدف این پژوهش بررسی چگونگی کمک ترکیب پردازش سیگنال گفتار با هوش مصنوعی در تشخیص سریعتر بیماری پارکینسون است.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری بر اساس مقالات منتشرشده از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ به زبان انگلیسی انجام شده که از پایگاه های الکترونیکی نظیر Google Scholar, PubMed, ScienceDirect و منابع کتابخانه ای جمع آوری شده اند. در مرحله دوم، مطالعات بر اساس معیارهایی برای ارزیابی شاخصهای گفتاری بهمنظور سنجش پیشرفت بیماریهای نورولوژیک انتخاب شده و برای مرور نهایی مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته ها: مرور مطالعات نشان داده است که پارامترهای گوناگونی از جمله جیتر، شیمر، نسبت سیگنال به نویز هارمونیک، زیروبمی (pitch) و شاخص های سپسترال در ارزیابی و پایش روند پیشرفت بیماری پارکینسون به کار رفته اند. در این میان، شاخص های صوتی طیفی در ارزیابی شدت بیماری مؤثرتر ظاهر شده اند.

نتیجه گیری: پیشرفتهای اخیر در تکنیک های تحلیل گفتار برای شناسایی بیماری پارکینسون، نتایج امیدوار کننده ای را نشان داده اند و بر پتانسیل رو به رشد این فناوری در حوزه پزشکی برای ارتقاء کیفیت مراقبت از بیماران تأکید دارند. این روش امکان غربالگری های منظم و ساده را فراهم کرده و به شناسایی عوامل خطر و تشخیص زودهنگام در مراحل اولیه بیماری کمک میکند. بنابراین، اعتبارسنجی جامع تر این رویکرد برای استفاده ی آینده در تشخیص بیماری پارکینسون ضروری است.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، اختلال صوت، تحلیل سیگنال گفتاری، پارامترهای اکوستیکی، بیماری پارکینسون





کاربرد موبایل در ارائه خدمات توانبخشی و درمانی به سالمندان

بهاره زینل زاده قوچانی^{۱*}، زهرا نوروزی^۲، سید علیرضا درخشان راد^۴

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد یادگیری الکترونیک در علوم پزشکی، دانشکده مجازی و قطب علمی آموزش الکترونیکی پیشرفته، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۲- استادیار، دکترای کاردرمانی، گروه کاردرمانی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳- کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۴- دانشیار، دکترای کاردرمانی، گروه کاردرمانی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

نویسنده ارائه دهنده و مسئول:

Corresponding Author: Department of Occupational Therapy, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Department of Occupational Therapy, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shahid Doran Campus, Behind Amir-Al-Moemenin Hospital, Sadra Street, Shiraz 71987-54361, Iran. Email: Zeynalzadeh@gmail.com

سابقه و هدف: سالمندی دوره ای از زندگی است که معمولاً از ۶۰ سالگی آغاز میشود. سالمندی یک بیماری نیست. جمعیت سالمندان در تمام جهان روبه افزایش است. ویژگی های سالمندی شامل: تغییرات آناتومیک و فیزیولوژیک، کاهش فعالیت اجتماعی و فیزیکی، از دست دادن حافظه، و کاهش درک و توانایی شناختی است که این تغییرات می تواند کیفیت زندگی آن ها را کاهش دهد و باعث بروز بیماری های متعددی از جمله افسردگی، افزایش فشار خون، بیماری قلبی و ... در این افراد شود. هدف از این مطالعه مرور مقالات پیرامون کاربرد موبایل در ارتقا سلامت سالمندان و توانبخشی می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری روایتی، با جستجو کلید واژه های «کاردرمانی در سالمندان با کمک موبایل»، «کاربرد موبایل در توانبخشی سالمندان»، «استفاده از موبایل در ارائه خدمات ارزیابی، درمانی و نظارت به سالمندان»، «توانبخشی از راه دور به سالمندان» و «ارائه خدمات کاردرمانی به سالمندان با موبایل» و ... در پایگاههای PubMed، Scopus، و Medline Google Scholar از سال ۲۰۰۴ تا کنون به روش PRISMA بررسی شدند. ۳۲ مقاله منتشر شده به زبانهای فارسی و انگلیسی وارد مطالعه شدند.

نتایج: پیشرفت علم، تکنولوژی و استفاده فراگیر از فناوری اطلاعات و ارتباطات، فرصت ها و شرایط تعاملی را برای مشارکت و روابط اجتماعی تغییر داده است که همین یک عامل بسیار کمک کننده به سالمند در همه زمینه ها است به عنوان مثال اپلیکیشن های wii Fit /wii sport، بازی های ویدیویی تعاملی مانند Wii Fit Balance Board، توانبخشی قلبی با موبایل (MCR) برنامه هایی دیگر مانند Citizen، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و اینترنت میتواند راهی برای افزایش احترام و تقویت اعتماد به نفس سالمندان و تغییر نگرش پیرستیزی و دید کلیشه ای نسبت به آنها در سطح جامعه باشد.

بحث: تکنولوژی فناوری و ارتباطات کمک بسیاری هم به سیستم بهداشت و درمان و هم به سالمندان کرده است: مراقبت از راه دور، خدمات بهداشتی و درمانی مبتنی بر تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و حمایت های اجتماعی آنلاین را میتوان از جمله مهم ترین امکاناتی دانست که سلامت، کیفیت زندگی و استقلال فردی را در زندگی سالمندان تحت تأثیر قرار داده است اما استفاده بیش از حد یا نادرست از تلفن های هوشمند می تواند باعث مشکلات جدی سلامت جسمی، از جمله تاری دید، درد گردن و اختلالات خواب در افراد علی الخصوص در سالمندان شود.

کلمات کلیدی: توانبخشی از راه دور، سالمندان، درمان، نظارت، ارزیابی، موبایل در توانبخشی سالمند





عنوان : بررسی اثربخشی درمان های شناختی مبتنی بر واقعیت مجازی بر کفایت ارتباطی بیماران مبتلا به دمانس : یک مرور روایتی

منصوره وثوقی^۱، دکتر سلیمه جعفری^۲، محمد عباسی^۳، امیرعباس شریفی^۴

سابقه و هدف:

با افزایش جمعیت سالمندان در جهان، شیوع دمانس رو به رشد است و افراد مبتلا به دلیل اختلالات شناختی، اغلب درگیر انزوای اجتماعی میشوند. به همین جهت، حفظ و تقویت ارتباطات اجتماعی برای بهبود کیفیت زندگی آنان ضروری است. در این راستا، در چند سال اخیر، فناوریهای مانند واقعیت مجازی با ایجاد محیطهای تعاملی، به تقویت تعاملات اجتماعی این افراد کمک می کنند. با توجه به ثنوری زیربنایی این نقایص ارتباطی که عمدتاً بدنبال نقص در حوزه های شناختی مختلف حاصل می شود، هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر استفاده از ابزار واقعیت مجازی (Virtual Reality - VR) در کنار برنامه های درمانی شناختی افراد مبتلا به دمانس بر روی افزایش ارتباط و تعاملات آنان با افراد جامعه، به ویژه مراقبان و خانواده خود، و میزان مشارکت اجتماعی می باشد.

روش کار:

این مطالعه مروری روایتی، با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed و موتور جستجوی Google Scholar و با استفاده از کلیدواژه های *Effectiveness*، *Virtual reality*، *Dementia*، *Social engagement*، *Communication* انجام شد. از میان مقالات مرتبط، ۲۰ مقاله منتشر شده بین سال های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۵ مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج:

مطالعات نشان میدهند مداخلات مبتنی بر واقعیت مجازی، بهویژه انواع اجتماعی و چندکاربره، به عنوان راهکاری غیردارویی با بهبود عملکردهای شناختی (مانند توجه، حافظه و برنامه ریزی) و شبیه سازی محیطهای طبیعی، مهارت های ارتباطی افراد مبتلا به دمانس را ارتقا میدهد. این فناوری با تسهیل تعاملات با مراقبان، خانواده و افراد جامعه، نه تنها مشارکت اجتماعی را افزایش میدهد، بلکه موجب تمایل به برقراری مجدد ارتباط میشود.

نتیجه گیری:

اثربخشی بهکارگیری برنامه های واقعیت مجازی برای بهبود ارتباطات اجتماعی و استقبال از استفاده از آنها توسط جمعیت سالمند مبتلا به دمانس، نشاندهنده پتانسیل کاربرد آن برای این جمعیت است. با این حال، برای بهبود قابلیت استفاده، پذیرش و کارایی این ابزار، نیاز به مطالعات و اصلاحات بیشتری در زمینه زمان آموزش کافی، طراحی برنامه درمانی دقیق تر و توسعه آواتار های واقعگرایانه تر میباشد.

کلید واژه ها: واقعیت مجازی، کفایت ارتباطی، درمان شناختی، دمانس

-دانشجوی کارشناسی ارشد گفتاردرمانی علوم پزشکی شیراز
Email: mansourevosooghi@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۳۵۵۸۳۲۵۴

۱- دکترای گفتاردرمانی و هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد گفتاردرمانی علوم پزشکی شیراز

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد گفتاردرمانی علوم پزشکی شیراز





The effect of tele-speech therapy on the recovery of adults with stuttering: A systematic review of intervention studies

fatemeh sarpourian^{1*}, shokrollah Mohseni², Mohammadreza zare³.

1. Assistant Professor, Department of Health Information Technology, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

2. PhD in Epidemiology, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

3. MSc in Rehabilitation Management, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

fatemehsarpourian@gmail.com

Background: Stuttering is a disabling communication disorder that may persist into adulthood. 5 to 6 percent of Iranians suffer from speech disorders, with stuttering being a common disorder with a prevalence of 0.7. Although speech rehabilitation therapies are available that can alter aspects of speech production such as breathing, phonation, and articulation, there are barriers to choosing the best treatment. Access to appropriate treatment is not provided to patients due to a shortage of providers, high costs of patient transportation, and a long rehabilitation process. Tele-speech therapy can be considered as an effective alternative when a speech therapist is not available. Therefore, this review study aimed to investigate the effect of tele-speech therapy on the recovery of adults with stuttering in 2025.

Methods: The Cochrane, PubMed, Scopus, Web of Science, and Science Direct databases were searched from inception to March 30, 2025 to identify studies investigating the effects of tele-speech therapy methods on adults with speech and language disorders. The included studies were assessed for quality and risk of bias using the CASP criteria by two authors. All non-English studies, non-original studies, and studies that were not relevant to the research aim were excluded.

Results: Of the 3400 articles retrieved, 12 met the inclusion criteria. Findings suggest that tele-speech therapy can be comparable to in-person therapy in terms of duration, clinical outcomes, and patient experience. Tele-speech therapy resulted in a reduction in the percentage of stuttered syllables, a reduction in stuttering severity, and changes in speech-related feelings.

Conclusion: Tele-speech therapy could be a viable option for adults with stuttering. This approach could increase patients' access to treatment and provide an opportunity to choose an appropriate therapist. These benefits could provide policymakers with useful information for implementing tele-speech therapy.

Keywords: Tele-speech therapy, Tele- practice, stutter





Common Pain Relief Methods in Children with Congenital Heart Diseases: A Scoping Review

Sedigheh Yeganeh¹, Masoume Rambod², Nilofar Pasyar^{3*}

1. Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. E-mail: sedighe.yeganeh@yahoo.com
2. Community Based Psychiatric Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
3. Community Based Psychiatric Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. E-mail: pasyarn@yahoo.com

Introduction: Congenital heart diseases are among the most common birth defects and their rate is increasing in Iran (1). Pain is a prevalent pre- and post-operative symptom among the children with a congenital heart disease (2). As an every individual's right, pain relief not only expedites recovery, but also decreases length of stay (3). However, physiological differences, children's verbal and non-verbal responses to pain have always been a barrier to surveying methods of pain relief for children (4, 5). Accordingly, the present review aims to explore the latest methods of pain relief in children with a congenital heart disease.

Material and Methods: The present study is a scoping review of the English articles in the database of PubMed. The researchers selected all the articles available in full or summary published after 2020 in English which included the keywords in question. The search strategy was based on a combination of keywords and the Boolean operator AND. After being selected, the articles were entered into a PRISMA checklist and repeated and irrelevant articles were eliminated.

Findings: In total, 26 articles were found to be relevant to the research subject, but in the end, only six of those articles were directly relevant to the subject under study. The findings of the studies showed that the most common method of relieving pain in children is use of medication (morphine, paracetamol. Ketorolac) (6), followed by non-pharmacological interventions, including massage and, in the realm of education, instructing patients on methods of using pain relievers (7, 8). The existing studies are mostly comparisons between drugs, drug doses, and age groups.

Conclusion: Currently, use of drugs is the common approach to pain relief for children with a congenital heart disease. Not many studies have addressed this topic and there is need for more research into non-pharmacological interventions designed for pain relief and the length of applying them. The present review only searched the PubMed database, while search in other databases and articles published in other languages, as well as books, can enrich our understanding.

Keywords: pain, pain management, congenital heart diseases, pediatric

پيام

اركان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پروستتر

آدرس لينک ها

۴۲





Efficacy of Premature infant oral motor intervention (PIOMI) on the related muscles in swallowing and its long-term effects on the developmental outcomes of preterm infants with feeding disorders: Protocol for a Randomized Controlled Trial

Shamim Ghazi¹, Zahra Sadeghi¹

¹ Department of Speech Therapy, School of Rehabilitation Sciences, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Background: Motor control in infancy begins with feeding and swallowing behaviors, which use overlapping neural pathways with other later developmental skills. According to evidence, feeding problems in preterm infants can increase the risk of developmental delay in early childhood. Premature infant oral motor intervention (PIOMI) is an appropriate method to improve preterm infants feeding, but its primary effects on muscles related to swallowing and its long-term effects on developmental outcomes have not been studied.

Objectives: This study aims to evaluate the efficacy of PIOMI on the related muscles in swallowing and developmental outcomes of preterm infants with feeding disorders.

Methods: This will be a single-blind, parallel randomized controlled trial. A total of 60 preterm infants with feeding disorder will be enrolled and randomized into either PIOMI or control PIOMI group will receive oral-motor intervention for 7 days and both group in a ratio of 1:1 groups will receive routine care including light and temperature regulation and skin-to-skin will be assessed by sEMG before and after the treatment and contact. Infant's muscles activity their developmental outcomes (comprehension language, expressive language, cognitive, and social-communicative skills) will be assessed at 3- and 6-month follow-ups in both groups.

Results: The protocol was approved by the Research Ethics Committee of the University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences in February 2025. The selection process of infants commenced in April 2025, the therapy and follow-up period are expected to be ended in December 2025. Data analysis is ongoing, and we expect to publish our results by the summer of 2026.

Conclusions: This study protocol demonstrates that enhancing neurodevelopment through early oral-motor intervention in the hospital can enhance the improvement of independent oral feeding ability in premature infants and their developmental outcomes. The neonatal intensive care unit and the expectation is for (NICU) team has the ability to utilize these results to provide service developmental outcomes to improve in accordance with our hypothesis.

Keyword: Preterm Infant, Swallowing disorder, Feeding disorder, oral motor intervention, developmental outcomes





تاثیر اجرای برنامه درمانی مبتنی بر تعامل والد-کودک در بهبود کیفیت زندگی والدین و کودکان مبتلا به اختلال طیف اتیسم : مطالعه مروری

^۱فاطمه راشته، ^۱آرمین خادمیان، ^۲سارا عابدینی

^۱دانشجوی کارشناسی گفتاردرمانی، دانشکده علوم توانبخشی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز.

^۲دانشجوی دکتری تخصصی گفتاردرمانی، دانشکده علوم توانبخشی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز.

asal.rashteh2003@gmail.com

09167559094

مقدمه : درمان تعاملی والد-کودک (PCIT) یک مداخله مبتنی بر شواهد برای کودکان دارای مشکلات رفتاری میباشد که در درمان کودکان مبتلا به اختلال طیف اتیسم (ASD) نیز قابل اجرا میباشد. پس بر آن شدیم تا در این مطالعه تاثیر اجرای PCIT در بهبود کیفیت زندگی والدین و کودکان مبتلا به ASD را بررسی کنیم.

روش کار : این مطالعه با جست و جو در پایگاه اطلاعاتی Med Pub و موتور جست و جوی Google Scholar و با استفاده از کلید واژه های autism , parent-child interaction therapy و effectiveness انجام شد. از میان مقالات مرتبط ، ۱۵ مقاله منتشر شده بین سالهای ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها : مطالعات نشان داد که کودکان مبتلا به ASD اغلب مشکلات رفتاری مخرب دارند که بر رابطه و همکاری والد و کودک تاثیر منفی می گذارد و عملکرد خانواده را محدود می کند. از PCIT می توان برای بهبود رابطه کودک-والد، مشکلات رفتاری و استرس استفاده کرد. PCIT را می توان به دو صورت حضوری و از راه دور اجرا کرد که هردو، نتایج مثبت به همراه تعمیم اهداف جلسات درمانی در زندگی را به دنبال داشتند.

نتیجه گیری : با بررسی مطالعات مشخص شد که PCIT تاثیر مثبتی بر کیفیت زندگی والدین و کودکان دارد. همچنین استفاده از این روش رضایت بالای والدین را در پی داشته و منجر به بهبود فرزند پروری میشود. هردو روش ارائه PCIT اثر مثبت دارد. برای مقایسه دو روش ارائه این درمان نیازمند مطالعات بیشتر با حجم نمونه بالاتر هستیم.

کلمات کلیدی : درمان تعاملی والد-کودک، اختلال طیف اتیسم، کیفیت زندگی





بررسی ارتباط بین بیماریهای خودایمنی و وزوز گوش: مطالعه مروری روایتی

محمد علی شعبانی^۱، محمد حسین خدادادی^۱، سید حسن حسینی^۱، علی حاجی محمدی^۲، افسانه دوستی^۲

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران^۱

گروه شنوایی شناسی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران^۲

ارائه دهنده: محمد علی شعبانی

ایمیل: m.a.shabani8102@gmail.com

تلفن: +۹۸۹۳۰۱۱۳۹۷۲۰

چکیده

زمینه و هدف: بیماری های خودایمنی با ایجاد التهاب و واکنش های غیرطبیعی سیستم ایمنی، میتوانند به سیستم شنوایی آسیب وارد کنند و علائمی مانند وزوز گوش و کاهش شنوایی حسی-عصبی ایجاد کنند. این مطالعه مروری روایتی با هدف بررسی شیوع، مکانیسم های پاتوفیزیولوژیک و روش های تشخیص و درمان وزوز گوش در بیماریهای خودایمنی انجام شده است.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری روایتی، جستجو در پایگاه های معتبری مانند Science, Web of Science، PubMed, Direct، Google Scholar انجام شده است. از کلیدواژه های مرتبط با وزوز گوش از جمله "Tinnitus"، "Ringing" و همچنین از کلیدواژه های مرتبط با بیماری های خودایمنی، از جمله "Autoimmune Disease"، "Multiple Sclerosis" و "Lupus" برای جستجوی مقالات استفاده شده است.

یافته ها: شیوع وزوز گوش در بیماری های خودایمنی متغیر است؛ بیماری خودایمنی گوش داخلی (AIED) با نرخ ۵۰ تا ۹۵٫۷ درصد، سارکوئیدوز با ۶۱ درصد، و سندرم سوساک با ۵۴ تا ۷۷ درصد، بالاترین میزان شیوع وزوز را نشان داده اند. همچنین، بیمار یهای خود ایمنی سیستمیک مانند مولتیپل اسکلروزیس (تا ۳۰٪)، لوپوس اریتماتوز سیستمیک (۲۰،۳٪) و سندرم شوگرن (۱۰،۱٪) نیز شیوع وزوز قابل توجهی دارند. از مکانیسم های اصلی ایجاد وزوز میتوان به واسکولیت عروق گوش داخلی، تجمع کمپلکس های ایمنی، دمیالیناسیون مسیرهای شنوایی، و سمیت ناشی از داروهای ایمنوساپرسیو (مانند سیکلوسپورین) اشاره کرد که به سلول های مویی آسیب میرسانند. درمان با کورتیکواستروئیدها (مانند پردنیزون) در ۴۴ تا ۷۰ درصد از بیماران مؤثر گزارش شده است، اگرچه معمولاً اثربخشی آن موقتی است. درمان های بیولوژیک مانند ریتوکسیماب و آدالیمومب نیز در برخی موارد به بهبود علائم کمک کرده اند.

نتیجه گیری: در بیماری های خودایمنی شیوع قابل توجهی از وزوز مشاهده میشود. در نتیجه، انجام ارزیابی های شنوایی و بهویژه ارزیابی های خاص برای وزوز، برای متخصصان مربوطه توصیه میگردد که این امر موجب تشخیص سریعتر وزوز در این بیماران و انجام مدیریت و توانبخشی مناسب و بهموقع میشود.

واژگان کلیدی: بیماریهای خودایمنی، وزوز گوش، کاهش شنوایی، خود ایمنی، مدیریت وزوز



گزارش موردی ارائه خدمات کاردرمانی به مراجع یازده ساله با مشکلات یادگیری و استرس و اضطراب

بهاره زینل زاده قوچانی^۱، داریوش قنبر نژاد^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد یادگیری الکترونیک در علوم پزشکی، دانشکده مجازی و قطب علمی آموزش الکترونیکی پیشرفته، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۲- استادیار، دکترای کاردرمانی، گروه کاردرمانی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳- دانشجوی رشته کاردرمانی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

ارائه دهنده و نویسنده مسئول:

Corresponding Author: Department of Occupational Therapy, School of Rehabilitation Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shahid Doran Campus, Behind Amir-Al-Moemenin Hospital, Sadra Street, Shiraz 71987-54361, Iran. Email: Zeynalzadeh@gmail.com

سابقه و هدف: مراجع ۱۱ ساله ای که تحت نظر پزشک بود بدون تشخیص مشخصی به کلینیک کاردرمانی مراجعه کرد ولی علایم و نشانه های اختلال یادگیری داشت پس از ارزیابی مداخلات کاردرمانی انجام گردید. بارداری در ۱۸ سالگی مادر بوده با زایمان طبیعی و وضعیت کودک نیز طبیعی بوده است. بعد تولد کودک دچار زردی و مشکلات متابولیسم و غدد بوده است. کودک داروهای ریتالین، سرتالین، آسنترال، ال آرژین، ریسپریدون، شربت آهن و شربت انجیر مصرف می کند. سابقه کم توانی ذهنی در فامیل و تشنج وجود ندارد.

مواد و روش ها: والدین از زمان پیش دبستانی کودک متوجه اختلال او شده اند. شکایت اصلی مادر عدم دقت و تمرکز در دروسهای به خصوص دروسهای ریاضی و فارسی بود. کودک از اضطراب و استرس شدید رنج می برد. در فعالیت سخت یا زمانبر همکاری نمی کند و کنترلی بر عصبانیت خود ندارد. نمیتواند به درستی گره بزند یا گره را باز کند یا هدفمند (خط راست یا اشکال هندسی) قیچی کند. در انجام حرکت پروانه زدن و رژه رفتن و رکاب زدن مشکلاتی دارد و اندام هایش هماهنگی زیادی ندارند. در نقاشیهای ترکیبی و تصویری و تشخیص متضادها مشکل دارد. در توجه پایدار تمرکز و حافظه کاری مشکلات اندکی دارد. در organization, emotional control, impulse control, self-monitoring مشکل دارد. در اعتماد به نفس، ذهن خوانی و همدلی و نشان دادن برخی احساسات مشکلاتی دارد. رفتارهای خودآزاری، وابستگی شدید به والدین، گریه یا خنده نامناسب، اضطراب و استرس، عدم تحمل شکست، عرق کردن کف دست و ترسهای غیرطبیعی دارد. در مرحله بازی اجتماعی و رقابتی است

نتایج: پس از استفاده از تکنیک آرامسازی حین موقعیت های اضطرابی مانند تنفس عمیق و فشار دادن توپ سفت، تکنیکهای ریلکسیشن جکوبسون، Journaling، و مهارتهای اجتماعی، کنترل خشم و استرس شرایط کودک بهتر شد. تقویت مهارت های اجتماعی با داستان های موقعیت های اجتماعی و تصاویر موثر بود. برای تقویت ضرب و تقسیم، هماهنگی چشم و پا، مهارت های ادراکی حرکتی مداخله شد. برای تقویت expression-self تمرین داده شد و تماس چشمی را رعایت کند.

نتیجه گیری: بعد از ۳ ماه مداخلات کاردرمانی، مشکلات ریاضی و فارسی که به تبع مشکل اضطرابی بود و حین امتحانات بروز میکند در املا نویسی و مهارتهای ریاضی کمتر شد اما هنوز در حین امتحانات نمیتواند به خوبی عمل کند. تماس چشمی بهتر شد.

واژگان کلیدی: کاردرمانی، توانبخشی ذهنی، مداخلات بالینی





Title: A Systematic Review of Challenges in Community-Based Cardiac Rehabilitation for Patients with Cardiovascular Disease

Pejman Salimi¹, Zeinab zare², Fariba Hosseinzadegan^{*3}

MSc student of Nursing, School of Nursing and Midwifery, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran 1.

MSc student of Nursing, Student Research Committee, School of Nursing, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran (z.zare4287@gmail.com)

Assistant Professor, Department of Nursing, School of Nursing and Midwifery, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran (Corresponding Author)

Background and Aims: In patients with cardiovascular diseases, the increasing rates of morbidity and mortality highlight the importance of effective disease management. In this context, the critical role of cardiac rehabilitation as a multidisciplinary program, encompassing a range of care and therapeutic interventions aimed at improving quality of life and reintegrating patients into society, is significant. Community-based cardiac rehabilitation, compared to traditional hospital-based rehabilitation, demonstrates similar effects and additional benefits. However, participation rates remain low. Therefore, the present study aims to investigate the underlying reasons for this issue.

Materials and Methods: In this systematic review, a search for articles was conducted using the keywords “community-based cardiac rehabilitation,” “community-based cardiac rehabilitation,” “community rehabilitation,” “cardiovascular disease,” “barriers,” and “challenges” in the PubMed, ScienceDirect, Scopus, Sid databases, and the Google Scholar search engine. Free, full-text articles written in English and Persian, published between 2015 and 2025, were eligible for inclusion in the study, while articles without a publication date, published in non-peer-reviewed journals, or unrelated to the research were excluded. Ultimately, following the PRISMA checklist, 10 articles were selected for analysis and reporting of findings.

Result: Barriers to community-based cardiac rehabilitation encompass a variety of factors. Individual barriers include a lack of self-care ability, low health literacy, and financial issues. Resource-related challenges involve insufficient technology and facilities. Professional obstacles arise from staff awareness deficiencies and inadequate referral processes and follow-up. Socio-cultural factors include insufficient social support and negative attitudes towards rehabilitation programs.

Conclusion: To achieve the goals of community-based cardiac rehabilitation, it is essential to address barriers by providing adequate facilities and infrastructure and utilizing innovative rehabilitation approaches such as tele-rehabilitation and technology-based interventions.

Keywords: Community-based cardiac rehabilitation, Community rehabilitation, Cardiovascular disease, Barriers, Challenges





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پروستر

آدرس لینک ها

تجربه زیسته معلولان مددجو از مشکلات موجود دریافت خدمات بهزیستی

حافظ صفری^{۱*}

۱- گروه روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد واحد علوم پزشکی، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول).
ایمیل: (hafezsafari1991@gmail.com)
شماره تماس: ۰۹۳۰۸۹۶۸۰۸۹

چکیده

سابقه و هدف: فلسفه وجودی بهزیستی، خدمت به مددجویان است. مدیران و کارمندان بهزیستی در سراسر کشور، باید این اولویت را همیشه در نظر داشته باشند. اگر مشکلات مددجویان بهزیستی در زمان دریافت خدمات مورد بررسی قرار گیرد و مهم ترین مشکلات شناسایی گردد، می توان خدمات هرچه بهتری ارائه نمود. هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه زیسته معلولان مددجوی ساکن شهرستان سرپل ذهاب از مشکلات موجود دریافت خدمات بهزیستی بوده است.

مواد و روش ها: این مطالعه با استفاده از روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی در شهرستان سرپل ذهاب در استان کرمانشاه و در پاییز ۱۴۰۳ انجام شده است. جامعه مورد مطالعه، معلولان مددجوی بهزیستی ساکن شهرستان سرپل ذهاب بوده و از روش نمونه گیری گلوله برفی و هدفمند استفاده شده است. در طی این مطالعه، ۲۵ معلول تحت پوشش بهزیستی با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها: پس از تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی، تعداد ۳۶ مقوله فرعی از بین ۱۹۶ گزاره مستخرج به دست آمد که در نهایت به کشف ۶ مقوله اصلی شامل تبعیض و پارتی بازی در ارائه خدمات، تاخیر بسیار در پاسخگویی و یا ارائه خدمات، عدم پیگیری و حل مشکل اشتغال، عدم تکریم مددجویان هنگام مراجعه به مراکز شهرستان، عدم اطلاع رسانی به موقع و شفاف و توهین و تحقیر منجر شد که می توانند نشان دهنده مشکلات اصلی موجود در دریافت خدمات بهزیستی توسط معلولان شهرستان باشند.

نتیجه گیری: این پژوهش نشان داد که معلولان تحت پوشش بهزیستی متحمل مشکلات زیادی را در زمان دریافت خدمات بهزیستی شده اند. پیشنهاد می گردد مسئولان استانی و کشوری سازمان بهزیستی مشکلات بیان شده در این پژوهش را در نظر داشته و در جهت رفع این مشکلات و انجام هرچه بهتر خدمات و ارتقای رضایت معلولان، اقدامات لازم را انجام دهند.

واژه های کلیدی: بهزیستی، سازمان بهزیستی، مددجو، تجربه زیسته، معلول، سرپل ذهاب





توانبخشی مبتنی بر جامعه

لاله جمالی^۱، روح انگیز شیروانی^۲، محبوبه مرادی^{۳*}

۱. کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، بیمارستان حضرت ولی عصر (عج)، دانشگاه علوم پزشکی فسا، ایران

۲. دانشجوی دکتری تخصصی پرستاری، دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران-1367shirvani.r@gmail.com
09178300531

۳. گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشکده علوم پزشکی گراش، گراش، ایران (نویسنده مسئول)

زمینه و هدف: در جهان چند صد میلیون نفر بر اثر نقص های مختلف مبتلا به ناتوانی و نیازمند نوتوانی و توانبخشی هستند، توانبخشی فرآیندی پویا، سلامت مدار که به فرد ناتوان برای رسیدن به بالاترین سطح ممکن عملکرد جسمی، روانی، ذهنی، اجتماعی و اقتصادی کمک می کند تا به یک کیفیت زندگی قابل قبول، باوقار و احترام همراه به استقلال برسد.

مواد و روش ها: در مطالعه مروری روایتی حاضر، مقالات منتشر شده به منظور دستیابی به مستندات علمی، با جستجوی الکترونیک و استفاده از کلید واژه ها در بانکهای اطلاعاتی معتبر و موتور جستجوی Google scholar انجام شد. معیار انتخاب، مقالات چاپ شده در مجلات علمی که متن کامل آنها در دسترس بود.

یافته ها: برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه (Community Based Rehabilitation) استراتژی برای افزایش و بهبود کیفیت زندگی افراد معلول است که می تواند در همه کشورها به نیازهای افراد کم توان در درون جامعه بپردازد. از دیدگاه WHO راهبردی در درون برنامه توسعه جامعه، به منظور اجرای توانبخشی، عدالت اجتماعی و پیوستن تمامی افرادی که به نوعی ناتوانی دارند به جامعه و سیاست و راهکاری در توسعه و رشد اجتماع در زمینه توانبخشی و یکسان سازی فرصت ها و هماهنگی اجتماع برای کلیه افراد دارای ناتوانی است.

نتیجه گیری: توانبخشی مبتنی بر جامعه، خدمات مورد نیاز سلامت و کیفیت زندگی افراد معلول را ارائه، از آنها در جامعه حمایت و با مشارکت فرد، خانواده و جامعه منجر به کیفیت زندگی بیشتر می گردد. با اجرای این برنامه ها می توان از انزوا و مطرودیت افراد جلوگیری، توانمندی و استقلال بیشتری را برای آنان جهت اداره ی امور مربوط به خودشان فراهم و زمینه را برای مشارکت اجتماعی بیشتر در حل مسائل به وجود آورد و منجر به همفکری و همیاری بیشتر در جهت بهبود و ارتقا سلامت آنها گردد.

واژگان کلیدی: توانبخشی، مبتنی بر جامعه





The Effects of Virtual Reality on Cognitive Performance in Individuals with Multiple Sclerosis: A Systematic Review

Mohammad Mehdi Abolhasani^{1, 3*}, Razieh Mofateh^{1, 2}

¹ Rehabilitation Research Center, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

² Department of Physiotherapy, School of Rehabilitation Sciences, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

³ Student Research Committee, school of rehabilitation sciences, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

Abstract:

Background: Multiple sclerosis (MS) is a chronic autoimmune disease associated with significant cognitive impairments in approximately 65% of these patients. With advances in technology, virtual reality (VR) exercises have emerged as potential therapeutic tools to enhance cognitive abilities. This study aims to evaluate the effects of VR on improving cognitive performance in individuals with MS.

Methods: A systematic review was conducted by searching databases including PubMed, Scopus, and Cochrane for articles published between 2000 and 2024. Selected articles included randomized controlled trials focusing on the effects of VR on cognitive abilities such as memory, attention, and processing speed.

Results: A total of seven studies were reviewed. Findings indicate that VR interventions have positive effects on cognitive performance in individuals with MS. Improvements were observed in working memory, concentration, and reaction time among VR group compared to control group. However, significant variations existed in the types of VR interventions, assessment methods, and intensity of applications.

Conclusion: Virtual reality can be an effective tool for improving cognitive performance in MS patients. These findings highlight the importance of incorporating tailored VR therapeutic programs in cognitive rehabilitation in individuals with MS. Further research is required to optimize intervention parameters and to determine how long the positive effects of VR continue.

Keywords:

Multiple sclerosis, Virtual reality, Cognitive performance, Rehabilitation, Systematic review.

پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها

۷۰





Challenges of mental health in cardiac rehabilitation patients: A review study

Muhammad reza Kolbadi Nezhad^{۱*}, Somayeh Masoudi Jazi^۲

1. Psychiatric Nursing Professor, Department of Nursing, BandarGaz Branch, Islamic Azad University, BandarGaz, Iran

2. Master's student in Geriatric Nursing, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran)
Somasoudi77@gmail.com / 09115935605)

Introduction: In patients with cardiovascular disease (CVD), Mental disorders interfere with the recovery process and are associated not only with a poorer prognosis and increased long-term mortality but also with reduced productivity due to significantly increased disability rates in the working population and increased medical care costs. However, despite the serious impact of mental disorders, these disorders are often not detected or not properly addressed. Therefore, the present study was conducted with the aim of reviewing the challenges of mental health in cardiac rehabilitation patients.

Search Strategy: The present narrative review study was searched by designing a question and using the keywords "cardiac rehabilitation", "Mental health" and their Persian equivalent in Magiran, Pubmed, Scopus, ScienceDirect and Google scholar search engine in the period from ۲۰۱۳ to ۲۰۲۴. At the end, ۱۱ articles related to the purpose of the study were examined.

Results: The findings show that before cardiac rehabilitation, psychological symptoms are observed in order: anxiety, PTSD, moderate depression, and stress. According to the studies, patients with depression have participated more in the cardiac rehabilitation program. After cardiac rehabilitation sessions, patients expressed more self esteem in their ability to change their dietary habits and reduce anxiety and depression.

Conclusion and Discussion: According to the obtained results, Psychological issues are an integral part of patients with cardiovascular disease, so it is recommended that in order to maintain and improve the mental health of cardiac patients, health officials and policy makers of the country should exploring the relevance and use of adjunct psychological support strategies within cardiac rehabilitation programmes.

Keywords: Mental health, Cardiac rehabilitation, Cardiovascular diseases





Transition from Survival to Living: A Systematic Review of Rehabilitation's Impact on the Re-creation of Life After COVID-19

Mohammad Sadegh Ghasemi¹, Zohreh Dehghan Harati^{2*}

1. MSc Student, Medical Surgical nursing, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
2. MSc Student, Neonatal Intensive Care nursing, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Abstract

Introduction: The COVID-19 pandemic has not only posed a direct threat to physical health but also impacted the quality of life of patients worldwide with long-term psychological and functional consequences. Rehabilitation, particularly through respiratory, exercise, and psychosocial interventions, plays a key role in restoring life and improving its quality. This study aims to systematically review the existing evidence on the effectiveness of rehabilitation programs in improving outcomes related to long-term COVID-19.

Methods: In this study, a comprehensive and targeted search was conducted using the keywords "Covid-19," "Quality of life," and "Rehabilitation" in reputable international databases such as PubMed/Medline, WOS Core Collection, Scopus, and Google Scholar, as well as national databases including Irandoc, Elmnet, and Magiran. Initially, 220 studies were identified, which were then screened based on inclusion criteria, such as publication within the last five years. Studies without full-text access, duplicate studies, and systematic reviews were excluded from the selection process. After careful evaluation and utilizing valid scientific tools, 18 relevant studies were selected for in-depth analysis.

Results: Studies show that rehabilitation in patients with long-term COVID-19 significantly improves physical, respiratory, and quality of life outcomes. Respiratory and aerobic exercises lead to improved activity tolerance, reduced shortness of breath, and increased energy levels. Furthermore, tele-rehabilitation, with continuous access to specialized services, health monitoring, and the provision of psychological and nutritional education, plays a crucial role in reducing anxiety and accelerating recovery.

Conclusion: In conclusion, rehabilitation plays a fundamental role in improving the quality of life of patients with COVID-19 and can significantly contribute to the reduction of both physical and psychological symptoms. However, challenges such as limited access to resources, individual differences in treatment responses, and the lack of personalized rehabilitation programs are significant limitations. Thus, further research and the development of comprehensive protocols are essential to improve outcomes in these patients.

Keywords: Covid-19 , Quality of life , Rehabilitation

پيام

اركان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پروستتر

آدرس لينک ها





دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی
۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



پیام

ارکان

برنامه روزانه

خلاصه مقالات
سخنران

خلاصه مقالات
پوستر

آدرس لینک ها



آدرس محل برگزاری کارگاه های حضوری :
شیراز - بلوار چمران - بلوار نیایش - کوچه
۳ - خیابان هنگام - مجتمع ولایت

لینک پیوستن به سمینار (با کیو آر بالا)
[Http://webc2.sums.ac.ir/rehab](http://webc2.sums.ac.ir/rehab)

۷۳



کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز برگزار می کند:

دهمین کنگره ملی دانشجویی افق های نوین در علوم توانبخشی



10th National Students' Congress On
New Horizons in Rehabilitation Sciences

20 , 21 May 2025

تمدید مهلت ارسال چکیده مقالات

تا ۸ اردیبهشت

rsc10.sums.ac.ir

rsc10.sums@gmail.com

محورهای کنگره:

- هوش مصنوعی در توانبخشی،
- رویکردهای نوین در توانبخشی و
- توانبخشی از راه دور
- توانبخشی در بیماریهای نورولوژی
- توانبخشی در بیماریهای ارتوپدی
- توانبخشی در بیماریهای قلبی-تنفسی
- توانبخشی در آسیب های ورزشی
- توانبخشی در سالمندان
- توانبخشی در کودکان
- توانبخشی در سرطان و درد مزمن
- توانبخشی در اختلالات کف لگن
- توانبخشی روانی-اجتماعی
- اخلاق حرفه ای در توانبخشی
- مدیریت توانبخشی
- توانبخشی مبتنی بر جامعه



آدرس دبیرخانه: شیراز- جاده شهرصدرا- بعد از بیمارستان سوانح سوختگی امیر المومنین (ع)- پردیس شهید دوران (دانشگاه علوم پزشکی شیراز)- دانشکده علوم توانبخشی

شماره تماس:

۰۷۱۳۲۱۲۲۶۰۰

